



# مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یکشنبه ۳ مهرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۳۴۵

جلسه ۱۳

غائبین با اجازه — آقایان: میرزا سیدسید یحیی خان فاطمی — میرزا حسین خان جلانی — علی خان اعظمی — آقا سید زین العابدین — آقا میرزا هاشم آشتیانی — احتشام زاده.

مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه سی و یکم شهریور قرائت و تصویب شد.

غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - شریعت زاده میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - میرزا حسن آقا آقازاده سزوری.

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - آقاسید ابراهیم ضیاء.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر سنگ - میرزا یدالله خان نظامی - میرزا اسمعیل خان نجومی - عطاءالله خان پالیزی - سلک ایرج میرزا پور تیمور - غلامحسین میرزا سعود - حاج سیدرضا فیروزآبادی.

آقای حاج حسن آقاسلک در تعقیب بیانات چند جلسه قبل آقای فهیمی راجع به انتخابات خمسه شرحی مشعر به بی طرفی حکومت در امر انتخابات تقریر و نیز یکقره تلگراف از طرف عده از تجارمشهد راجع به وخامت اوضاع تجارتی خراسان بواسطه مسدود بودن سرحدات شمالی و لزوم توجه دولت در این خصوص و استمهال ششماهه برای تأدیه مالیات انحصاری قرائت و آقای رئیس اظهار نمودند مراسلات و تلگراف واصله بایستی به هیئت رئیسه تسلیم و بر طبق نظامنامه کمیسیون عرایض سراجعه شده و سراحل قانونی خود را طی نماید.

خبر شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقا حسین آقایان که در جلسه قبل قرائت و آقای فاطمی مخالف بودند مطرح و چون آقای فاطمی غائب بودند در آن خصوص رأی گرفته تصویب شد.

پروگرام دولت مطرح و در قسمت چهارم آقای ارباب کیخسرو با کلمه تدریجی مخالف و عقیده شان این بود تسریع در فروش خالصجات نوشته شود.

آقای وزیر مالیه اظهار مینمودند مقصود از کلمه تدریجی مسامحه در این امر نبوده لکن بدیهی است تدریجاً صورت خواهد گرفت.

آقای آقاسید یعقوب با فروش خالصجات برای تأسیس بانک فلاحتی مخالف بوده و اظهار مینمودند چنانچه اسنیت قضائی در مملکت ایجاد شود طبعاً اهالی سرمایه های خود را صرف این قبیل مؤسسات خواهند نمود.

آقای وزیر مالیه شرحی راجع به خرابی وضعیت خالصجات و تولید مخارج زیاد برای دولت تقریر و فروش آن را مقرون بصره و صلاح میدانستند.

آقای داور نیز با فروش خالصجات مخالف بوده و عقیده شان این بود عجله اسلاک خالصه برای کشت و زرع بین رعایا تقسیم و در موقع مقتضی به رعایا فروخته شده و در مدت چند سال قیمت آن به اقساط دریافت شود.

آقای مدرس نیز شرحی مشعر بلزوم فروش خالصجات در تحت شرایط سهل و آسان تقریر و در قسمت پنجم راجع به تأسیس بانک دولتی آقای وزیر مالیه در جواب بیانات آقای آقاسید یعقوب اظهار نمودند البته دولت با توافق نظر مجلس شورای ملی به اسرع اوقات وسائل ایجاد این بانک فراهم خواهد نمود و ضمناً لایحه راجع به تأسیس شعبه رهنی بانک مزبور را به مجلس شورای ملی تقدیم

و به کمیسیون بودجه ارجاع شد.

در قسمت ششم آقایان ارباب کیخسرو و فهیمی پس از ذکر بهبودی بعضی امورمالیه شرحی راجع به خرابی اوضاع وزارت مالیه مخصوصاً قسمت محاسبات ارزاق و حمل و نقل آن و تعدیات ماسورین مالیه به مردم و لزوم اجرای قوانین مصوبه تقریر و آقای وزیرمالیه راجع به جریانات امور وزارت مالیه و خدمات مستخدمین آمریکائی شرحی دفاً اظهار پس از آن جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیمساعت مجدداً تشکیل و در قسمت هفتم آقای ارباب کیخسرو راجع بلزوم حفظ اعتبار امضای دولت در موضوع استیازات و تعیین تکلیف استیازات معطله بیاناتی نموده و آقای حائری زاده مختصر شرحی به موافقت تقریر و در قسمت هشتم مخالفی نبوده و در قسمت نهم آقای وزیر فوائد عامه در جواب آقای آقاسید یعقوب اظهار نمودند مقصود دولت از این قسمت اصلاح و توسعه راههای موجود و ایجاد راههای جدید است و هرگاه ذکر لفظ (ایجاد) لازم باشد ممکن است اضافه شود.

در قسمت دهم آقای ارباب کیخسرو راجع بلزوم اجراء تصمیم مجلس پنجم درخصوص راه آهن و لزوم پیشنهاد لایحه قانونی برای جریان وجوه قند و شکر شرحی بیان نموده و آقای وزیر فوائد عامه اظهار داشتند در موضوع راه آهن از طرف دولت تأخیری نشده و منتظر ورود متخصصین آمریکائی و آلمانی هستند که پس از ورود آنها شروع به تهیه مقدمات کار بشود.

در قسمت یازدهم نیز آقای ارباب کیخسرو شرحی مبنی بر خرابی وضعیات فعلی وزارت داخله و لزوم ایجاد تشکیلات صحیح و اقدامات لازمه برای توسعه صحیه در تمام مملکت و ایجاد بلدییه های قانونی اظهار و آقای حائری زاده موافق بوده و آقای وزیر داخله نیز راجع به اصلاح تشکیلات وزارت داخله و صحیه و ایجاد بلدییه های قانونی شرحی تقریر و در قسمت دوازدهم آقای وزیر عدلیه در جواب آقای آقاسید یعقوب اظهار نمودند بدیهی است تکمیل کلیه امور وزارت عدلیه تدریجی بوده و عدلیه فعلی بهیچوجه طرف نسبت با عدلیه چند سال قبل نبوده و البته بوسیله تکمیل قوانین و تربیت قضاة لایق و غیره کلیه نواقص در آتی مرتفع خواهد شد و فعلاً مطالبی که در درجه اول به نظر دولت مهم بوده از قبیل تعمیم ثبت اسناد و اسلاک برای جلوگیری از وقوع دعاوی و سرعت جریان محاکمات و تهیه قانون مدنی در پروگرام پیش بینی و به عرض مجلس شورای ملی رسیده است.

در قسمت سیزدهم آقای وزیر معارف در مقابل بیانات آقای آقاسید یعقوب اظهار نمودند مهم ترین مقصود دولت توسعه و تعمیم مدارس ابتدائی در تمام نقاط مملکت است و البته پس از فراهم شدن وسائل لازمه در توسعه مدارس متوسطه و غیره نیز اقدامات لازمه به عمل خواهد آمد.

آقای وزیر مالیه دو فقره لایحه راجع به برقراری شهریه درباره وراثت مرحوم حاج شیخ عبدالنبی و میرزا سیدمحمدخان نصر تقدیم و به کمیسیون بودجه ارجاع شد.

جلسه آتی به روز سه شنبه پنجم مهرماه چهار ساعت قبل از

ظهر و دستور آن مذاکره در بقیه پروگرام هیئت دولت تعیین و مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای آقاسید یعقوب تذکر دادند که در جلسه گذشته اظهار نموده اند که: باید وزرای مسؤل خودشان در مقام مدافعه از مواد

### صورت مشروح مجلس مورخه یکشنبه سوم مهرماه ۱۳۰۵ مطابق هیجدهم ربیع الاول ۱۳۴۵

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید) (صورت مجلس پنجشنبه سی و یکم شهریور را آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج حسن آقای ملک. (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای محقق. (اجازه)

آقا سید جواد محقق - در کلیات دوم عرضی دارم.

رئیس - آقای امیرکلایی. (اجازه)

امیر تیمور کلایی - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حاج حسن آقا ملک. (اجازه)

حاج حسن آقاسلک - در دوسه جلسه قبل آقای فهیمی نماینده محترم در موضوع وقعه یا وقیعه توقیف بقیه انتخابات ولایات بیاناتی فرمودند که بیشتر روی سخنشان مربوط بود بانتهای خمسه و متأسفانه پیش از حد لزوم حاکم خمسه را مورد بی لطفی خودشان قرار دادند در صورتی که اگر حقیقه اعتراضی هم متوجه باشد بانتهای وزارت داخله متوجه است زیرا حکومت و حاکم مسؤل وزارت داخله هستند. بنده معرفی آقای ابوالحسن خان امیر حشمت سابق و حاکم فعلی خمسه را در حکم لزوم بالایلزم میدانم زیرا سوابق درخشان و وطن پرستی و خدماتی که ایشان در دوره مشروطیت کرده اند تصور میکنم در جامعه وتوده و هم در نزد ارباب اطلاع کامل محفوظ باشد یکی از اعتراضاتی که متوجه کردند بایشان این بود که گفتند ایشان اظهار داشتند که چون من مشمول قانون استخدام نیستم و از وزارت مالیه حقوق دریافت نمی کنم برای اعاشه و تأمین آتی باید از صندوق آراء استفاده کنم. بنده تصور میکنم اگر حقیقه اعتراضی متوجه باشد بیک ماسوری که مشمول قانون استخدام نباشد باز آن اعتراضی بعامل بیشتر متوجه است که المأمور معذور و حال آنکه در این مورد بخصوص که کاملاً تحقیقات بعمل آمده است ایشان مشمول قانون استخدام هستند و حقوقهم دریافت میدارند. بنده تصور میکنم اشخاصی که این عرایض را خدمت نماینده محترم کرده اند کسانی هستند که خودشان مسلمداران انتخابات آنجا نظر داشته اند از این موضوع هم که بگذریم اولاً هیچ آدم عاقلی در ملاء عام اظهار نمیکند که چون من مشمول قانون

پروگرام برآیند و دیگر مخالفی نبود و در جلسه سه شنبه پنجم مهرماه / تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین  
منشی: سید ابراهیم ضیاء  
منشی: نوبخت

استخدام نیستم میخواهم از صندوق آراء استفاده کنم بعلاوه عملیات حاکم تکذیب قضیه است زیرا کاندیداهای معروف خمسه چند نفری بیش نیستند. آقای افخمی هستند. حضرت آیه الله زاده هستند آقای نجات هستند و یکی دو نفر اهل محل. اما آقای افخمی نظر بسابقه و نسبتی که با سعدالدوله سردار دارند تصور میکنم در هیچ بابی از ابواب محتاج باستمداد و استعانت حاکم نباشد و همچنین آقای آیت الله زاده و آقای نجات حقیقه این مسئله برای خود بنده خیلی مشکل است که بخواهم تعیین کنم حاکم از کدام یک از این آقایان میتوان استفاده کند و مستطیع شود و تأمین آتی بکند. یکی از مستندات آنی که پشت تریبون اظهار داشتند تلگراف انجمن نظار بود. این انجمن فعلاً مستکف است بنده متحیر هستم چطور میشود یک انجمنی که میداند بالاخره قضاوت قضایای انتخابات با مجلس شورای ملی است خودش فعلاً دارد قضاوت می کند و هیچ حاضر نمیشود برای اینکه آراء را بخواند در تحت عنوان اینکه جریان غلط است و از کجا این اعتراضاتی را که میخواهند متوجه کنند به حاکم حاکم متوجه آن خطب نشود. در هر صورت عقیده من است که باید وزارت داخله در اطراف این قضیه تحقیقات کاملی بکند و مطلب را به عرض مجلس شورای ملی برساند. مجلس شورای ملی در موضوع منفی نمیتواند یک قضاوت مثبتی بکند. عرض دیگر بنده این است که یک تلگرافی از وجوه اکابر تجار خراسان رسیده است که در این موقع که هیئت محترم دولت اینجا تشریف دارند بنده موقع را مغتنم و مطالبشان را بعرض آقایان و کلاه و وزراء میرسانم. بعد از عنوان که خطاب بمجلس شورای ملی است مینویسد: اوضاع تجارت خراسان پوشیده نیست بواسطه فشارهای دولت شوروی بجه حال اسفناکی افتاده و تاکنون دولت هم موفق برفع مشکلات نشده. تمام اجناس روسیه از اداره بفروش میرسد عوض قران میگیرد پول خودشان را هم قبول نمیکند ماها آنچه مواد خام و غیره به نژنی و مسکو برده ایم قهراً و مجبوراً در مقابل جنس خریده شده کلی مخارج قران باید بدهیم که اجناس خریده شده را وارد نمائیم پول نقد هم که معلوم است وجود ندارد استرحاً ما این مساعدت را از دولت استعدا داریم مالیات انحصاری را فقط با تجار ایرانی با اطمینان شش ماهه بپردازیم والا غیر از این باشد از جنس خریده شده هم در روسیه خواهد ماند و ماها هم بی پا خواهیم شد اسضاء حاج غلامرضا برادران. عالی اصغر اف و جمع کثیری. تصور میکنم با این اختلالی که در اقتصادیات هست اگر یک تسهیلاتی برای آقایان تجار قائل بشوند خیلی مناسب است.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) و امیدوار هستیم هیئت

معظم دولت در این یکی دوروزه توجه کاملی فرموده و در این باب تسریع فرمایند زیرا مستدعیات فوریه محتاج بتوجهات فوریه است جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - وارد دستور شویم؟

جمعی از نمایندگان - بلی.

آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم.

رئیس - بنده برای حفظ اصول دو تذکر دارم باقای حاج حسن آقا ملک اولاً اگر یکی شکایت میکند از مأمورین دولت طرف مستقیماً وزارت داخله است و وزارت داخله باید یا تصدیق بکند آن شکایات را یا تردید بکند و نماینده هیچوقت طرف با مأمور دولت نیست که از طرف او بخواند دفاع کند و راجع بتلگراف هم اگر میرسد مطابق نظامنامه باید اول بویستت رئیس داده شود و بعد بکمیسسیون عرایض برود و سایر مراحل را طی بکند.

آقای آقا سید یعقوب چه فرمایشی دارند؟

آقا سید یعقوب - اگر وارد شده‌اید که عرضی ندارم اگر وارد نشده‌اید که بنده عرضی دارم عرض کنم.

رئیس - مجلس عقیده‌اش این است وارد دستور شویم.

آقای امیر کلالی هم اجازه خواسته‌اند ولی میل آقایان این است که وارد دستور شویم.

در جلسه گذشته خبر شعبه چهارم راجع بنمایندگی آقا حسین آقایان از شاهرود مطرح شد آقای فاطمی مخالف بودند.

بعضی از نمایندگان - تشریف ندارند.

رئیس - دیگر مخالفی ندارد؟ (گفته شد - خیر)

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای آقا حسین آقایان از شاهرود آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. قسمت چهارم پروگرام دولت مطرح است.

(بشرح آتی خوانده شد)

۴- تهیه لایحه برای فروش تدریجی خالصجات بطور سزایده و تخصیص عایدات فروش آن بتأسیس بانک فلاحتی.

رئیس - آقای فرمند. (اجازه)

فرمند - موافقم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده فقط مخالفتم در کلمه تدریجی است این کلمه تدریجی معنیش نشدن است و نمیدانم از روی چه ملاحظه نوشته شده است؟ برای اینکه با امتحان رسیده است که خالصجات برای دولت جز ضرر چیز دیگر ندارد. اگر بجمع و خرج خالصجات رسیدگی شود و معین شود که عوائدش چیست و خرج سالیانه‌اش چقدر است آنوقت تصدیق خواهد شد که هرچه زودتر بفروش برسد هم برآبادی اسلامک میافزاید و هم از خسارت دولت میکاهد لذا عقیده‌ام این است اگر کلمه تدریجی را بردارند و عوض کلمه تدریجی کلمه تسریع را بگذارند مناسبتر است.

وزیر مالیه - در اینماده که دولت پیشنهاد کرده است یقیناً نظر دولت بر این است که هر چه زودتر مقدور باشد این کار را بموقع

بین‌النهرین مثلاً بدریای باطوم (خنده حضار) بنده نمیخواهم اظهار بشاشت کنید باصل مسئله توجه کنید. اگر حقیقه حقوق قضائی برای اهالی تأمین شداول کسیکه عیالیش را بفروشد برای سرمایه بانگ فلاحتی بنده خواهم بود چنانکه امتحان هم داده‌ایم وقتی که صحبت بانک ملی شد ما طلبه‌های بدبخت کتاب‌هایمان را فروختیم (حالا بنده نمیخواهم بگویم آنها که در آب من رفته‌اند این کارها را نکردند) طلبه‌های بدبخت بقدریکه مقدور بود کتابهایشان را فروختند و پولش را رویهم گذاردند برای تأسیس بانک ملی. یکدفعه دیدیم بانک ملی از بین رفت چرا؟ برای اینکه تأمین قضائی نبود برای اینکه نمی‌دانستند این بانک که از بین رفت بکجا رجوع کنند و باچه توه پول خود را باید گرفت. این است اصل مسئله و این دردست در مملکت. اگر قوه قضائیه تأمین شده هیچ محتاج بفروش خالصجات نیستیم این یک مسئله. مسئله دوم اینکه آقای ارباب فرمودند اگر مانگه بصورت دخل و خرج وزارت مالیه در موضوع خالصجات بکنیم می بینیم که مخارج خیلی بیش از عایدات است بنده کاملاً موافقم و آقای ارباب کیخسرو هم میدانند که بنده خیلی مته را بخشش میگذارم. در کمسیون بودجه برای یک پول هم فریاد میزنم و همیشه در بودجه برای کم کردن خرج فریاد زده‌ام ولی بینی و بین‌الله نگاه کنید ما از دوره چهارم همیشه صحبت معارف را کرده‌ایم و بقول یکی از آقایان که میگفت در صحبت‌مان همیشه معارف مثل نمک درآش است. حالا آقای نصیرالدوله که حقیقه یک شخصی است که در مسئله معارف امتحانات خوبی داده است. و حالایی در پی هر سال از مدرسه متوسطه بیرون می‌آیند اینها را چه کنیم در مملکت کار نیست و می بینیم که جوانان ما رو با دارات می‌آورند و علتش این است که در مملکت کار نیست و اگر کار بود شاید هیچوقت این جوانان رو با دارات نمی‌رفتند. در واقع بیشتر این ادارات و وزارت‌خانه‌ایکه ملاحظه میفرمائید برای اسرار معاش است نه برای کار وقتی وارد در کتاب بودجه می‌شویم می بینیم که در غالب فصل‌های بودجه حقیقه دولت‌های وقت خواسته‌اند یک عده اسرار معاش کنند و چون نمیخواسته‌اند منت داده باشند یک عنوانی مثل تمرکز عایدات و غیره روی آن می‌گذارند و با این الفاظ و بیانات که حقیقه نان دادن است یک پولی بیک اشخاصی میدهند حالا آمدیم خالصجات را فروختیم و قتیکه فروختیم بنده اطمینان پولش را ندارم بواسطه اینکه نمیدانم چه خواهد شد (ساده بعد راجع بیول قندو چای دربانگ است که بعد راجع بان عرض خواهم کرد) به بینید ما با چه قوه مغناطیس از جیب مردم پول در می‌آوریم و با چه عنوانی مأمورین مالیه بزور پول از مردم میگیرند و نمیدانیم کجا می‌رود حقیقه یک سکه برو در جیب ایرانیها پیدا نمیشود این پولها کجا رفته است آهن کجا است خطش کجا است؟ آهن را در قرآن در سوره حدید میخوانیم و غیر از آن در هیچ جانی نیستیم. بنده اطمینان ندارم چون این اطمینان نیست بنده فروش خالصجات را صلاح نمیدانم این اولاً. ثانیاً آقایان اغلب مسبقند که بعضی بیچاره‌ها بدبختانه گرفتار خالصه شده‌اند. خالصه خریده‌اند. خالصه انتقالی. از ملایر و

تویسرکان فریاد میزنند که بابایا بیاید بردارید ما این را نمیخواهیم (همان قضیه خیک و پتیر است) فریاد میزنند بابا دست از ما بردارید خالصه نمیخواهیم. میگویند خبر نمی‌شود خالصه دولت است. خالصه انتقالی است در فلان سته شما دخل برده‌اید حالا باید پول بدهید مردم از دست خالصه انتقالی به تنگ آمده‌اند حالا که دولت میخواهد خالصه را بفروشد بچه ترتیب میخواهد بفروشد؟ بنده عقیده‌ام این است حالا که دولت میخواهد در این باب یکقدسی بردارد اول یک لایحه تهیه کند راجع بخالصه انتقالی و یک ترتیبی برای خالصه معین کند آقای مدرس در دوره پنجم یک پیشنهادی راجع بمالیاتش کردند. بنده برای قلع ماده دادو قال و برای اینکه در این باب اینهمه شکایات نشود عقیده‌ام این است اول برای خالصجات انتقالی یک ترتیبی معین کنند که مجلس و دولت و وکلاء از این حیث راحت شوند و پس از آنکه انشاءالله این اکثریت عقب این آقای رئیس‌الوزراء و هیئت دولت و بنده که مخالفم رقیم و قوه قضائی را تأمین کردند بنده شاید آنوقت فکر کنم اجازه بدهم باز آنچیزهاییکه سال دولت است بدست این وزراء بیفتد و خرج کنند ولی راجع بخالصجات فعلاً بنده عقیده ندارم با آنها دست‌بزنند یا بجواهرات دست بزنند. ایران قدیم است ایران روزهای بدتر از این دیده است سخت‌تر از این دیده است عجله نکنید. چهارتنکه جواهر داریم. خالصه دور طهران داریم. چشم‌ها باز است که اینها را هم بدهند بیک عده حقیقه‌زود است عجله نکنید تا یک قدری چرخها بچریان عادی اما عادی قضائی نه آن عادی که آقای مدرس فرمودند بیفتد و هر چیزی در موقع خودش واقع شود. آنوقت بنده موافقم والا حالا مخالفم این یک مسئله یک مسئله دیگر را هم عرض کنم که خوبست هیئت‌وزراء جواب بدهند نه آقایان نمایندگان. بنده با آقای یاسائی دعوا نداریم آقایان وزراء باید جواب بدهند آقای وزیر عدلیه که یکی از فصحاء و بلغاء و حکما است و اطلاعاتشان کاسل است بلند شوند حرف بزنند می و کلاء را بجان هم میانندازند.

وزیر مالیه - اگر چه آقای آقا سید یعقوب فرمودند بشاشت نکنید ولی وقتی ایشان نطق می‌کنند بقدری شیرین است که بشاشت طبیعی است در مسئله تأمین قضائی که فرمودند حقیقه یک تذکری است که بهتر از این نمی‌شود. مسلم است اگر در مملکت این مسئله واقع شود تمام عراده‌های ادارات کاملاً بحرکت درمی‌آید و تمام استفاداتی که اهالی مملکت باید بکنند بسهولت حاصل میشود و اگر متأسفانه تأخیراتی در این مقاصد شده است حتماً یک مقدارش بواسطه این است که تأمینات قضائی کاملاً نبوده است و البته آقایان میدانند که راجع باین قسمت تاکنون خیلی زحمت کشیده شده است و نیاز هم بهمت آقایان نمایندگان محترم هم قوانینی تدوین خواهد شد و هم دولت راجع به تشکیلات قضائی امیدواریم طوری بکند که تدریجاً معایب رفع شود. مسئله فروش خالصجات که آقا ذکر فرمودند البته چند فایده دارد. یک فایده‌اش این است که خرج دولت را مسلماً یک مقدار گزافی کسر میکند و یک مسئله دیگر این است که خود املاک که در دست

اشخاص اقتاد یقیناً رویابادی می‌رود و بهتر توجه می‌شود برای آباد کردن آن اراضی و بعد از آن که لایحه که ترتیب شده است برای خالصجات بنظر آقایان رسید و توجه فرمودند خواهند دید که راجع بمالیات آنها هم پیش بینی شده است که با تصویب مجلس یک ترتیبی داده شود که مالیات املاک خالصه هم مثل اربابی مأخوذ شود و حالت مالیات در مملکت یک صورت داشته باشد. در این صورت اشکالی نخواهد بود که این مسئله بیک ترتیب صحیحی جاری شود و اما اینکه فرمودند برای بانک یا غیربانک مثلاً اطمینان ندارند تصور میکنم اگر در کارها ما بخواهیم اینطور متوقف باشیم و همیشه تصور کنیم که یک نتایج نامناهی حاصل خواهد شد و بخیال از یک کار عملی که اثر وفایده‌اش مسلم است باز بمانیم هیچوقت بمقصد نخواهیم رسید شش دوره است از مجلس میگذرد و واقعاً کارهای عملی که باید بشود و اسباب استفاده مردم بهمین جهت آنقدریکه مردم انتظار دارند متأسفانه هنوز واقع نشده این چند فقره که اینجا راجع بوزارت مالیه نوشته شده است و ملاحظه میفرمائید بادر نظر گرفتن اطراف و جوانب نوشته شده است بعلاوه در وزارت مالیه قوانین مصوبه مجلس شورای ملی در نهایت رعایت است و دقیقه از آنها در وزارت مالیه ترك نمی‌شود و برای بعد هم مسلماً لویجی ترتیب خواهد شد و بعرض مجلس خواهد رسید و پس از تصویب مجلس کاملاً بموقع اجراء گذارده خواهد شد که بعد از این نگرانی برای کسی باقی نماند.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است. بعضی گفتند

کافی نیست.

رئیس — آقای داور، مخالفند؟

داور — بلی.

رئیس — بفرمائید.

داور — بنده گمان میکنم محتاج بذکر باشد که ممکن است یکنفر بادولت موافق باشد و در یکی از سواد پروگرام نظریاتی داشته باشد. بنده از موافقین دولت هستم و بطور کلی به پروگرام هم رأی خواهم داد ولی چون اینماده بنظر بنده ورفقای من از نقطه نظر اصولی یک مخالفتی دارد باین مناسبت اظهار مخالفت خود را میکنم و امیدوارم در وقتیکه دولت میخواهد فروش خالصجات را پیشنهاد کند اینمسائل را تحت دقت بیاورند و اگر صحیح بود آنها را سraعات کنند. مسئله فروش خالصجات برای اینکه بانک فلاحتی درست بکنند یا سرمایه بشود برای تهیه چیزهای دیگر سابقه دارد و مدت‌ها است رویهمرفته که نگاه کنیم چون خالصه یکفواندی برای دولت ندارد بنابراین طبیعی است که یک همچوفکری همیشه درکله اشخاص که توجه باین قضا یا دارند پیدا میشود. آقایانیکه در مجلس گذشته تشریف داشتند و حالاً هم اینجا تشریف دارند باید خاطرشان باشد که در دوره قبل یک پیشنهادی بمجلس آوردند که بدولت تذکر داده شود که راجع بچند قضیه مطالعات دقیقی بکنند که من جمله قضیه خالصه بود و فعلاً قضیه فروش خالصجات یک وعده نیست که دولت میدهد که من لایحه خواهم آورد که خالصجات را بفروشم و از این راه هم سرمایه برای بانک فلاحتی

بدبختیهای ما این شده است که ملاکین بدون اینکه فکر کنند که این کار برایشان خوبست یا نیست میآیند و هی قرض میکنند و خرج این املاک می کنند. بنده خودم خبردارم که خیلی از ملاکین ملکشان را گروسیگذارند یا یک قسمتش را میفروشند برای اینکه ملک جدیدی بگیرند حالا دولت بجهت ترتیب میخواهد الآن این را بفروشد که مملکت دیگر باین بدبختی نیفتد و پول این خالصه هم دست یکعده اشخاصی نیفتد و املاک هم خراب تر نشود بنده هیچ عیبی در این نمی بینم که امروز این املاک بفروش میرفت و یک پول نقد خیلی خوبی هم از برای بانک فلاحتی جمع میشد و بعد هم این املاک را آباد میکردند ولیکن این ترتیب که ممکن نیست پس یا اینکه شما میآئید این املاک را چند قسمت میکنید و در هر سالی یک قسمت از آن را میفروشید و یا اینکه پولش را با قسط میگیرید و بعقیده بنده از این دو صورت دیگر بیرون نیست و در هر حال هر کدام از این دوشق باشد غلط است چرا برای اینکه اشخاص که ملک زیاد دارند یا اشخاصیکه تفنن میکنند و در شهر نشسته اند میگویند خوب چه عیب دارد ما میآئیم و این املاک را با قسط میخریم و البته جز این قبیل اشخاص کس دیگری هم نمیتواند بخرد بنده بایکی از اعضاء دولت در اینموضوع صحبت کردم گفتند ممکن است که ماحق تقدم را بزارعین واگذار کنیم یعنی آن زارعی که در آن ملک رعیتی میکند او حق تقدم داشته باشد ولی این مسئله تعارف است از حیث اینکه عملی نیست. الان آن زارعی که در فلان ملک کار میکند استطاعت ندارد که شما بگوئید تو حق تقدم داری اینملک را بخر پس بنده گمان میکنم یک ترتیبی رامحل خواهد بود برای اینکه هم دولت ازگیر خالصه خلاص شود و هم یک طوری نشود که باعث خرابی املاک شود و آن این است که ما عجله در اینکار نکنیم و بیائیم املاک خالصه را ترتیب قوه پیشک که البته آقایان اطلاع و سابقه دارند که این ترتیب قراپشک چه در املاک اربابی و چه در بعضی نقاط سابقه دارد و در املاک خالصه هم این ترتیب معمول است و در آنجا هائیکه این ترتیب را قرار داده اند بتجربه معلوم شده است که ملک آبادتر شده و رعیت هم استطاعتش بیشتر شده است و بطور اجمال ترتیب قراپشک این است که عرض میکنم. که این ملکی را که اسسال رعیت میکارد طوری نشود که در سال بعد آنجا را از دستش بگیرند و یک جای دیگر بهش بدهند خیر همان محلی را که پارسال کاشته است اسسال هم در همانجا زراعت میکند و البته اگر این ترتیب شد و رعیت دید خودش و خانواده اش در این محل معین باید زراعت و زندگی کند و عوض نخواهد شد قطعاً بیشتر جدیت میکند و بیشتر زحمت میکشد که آن ملک آبادتر بشود چون می بیند بالاخره عایدی آن بخودش میرسد و در بعضی نقاط من جمله در شهریار و ساوجبلاغ و در یک قسمت از ورامین این ترتیب معمول است و بالاخره بطور محسوس ثابت شده است که املاکی که قراپشک شده است آبادتر شده است و بنده تصور میکنم باید این معامله را تعمیم داد و دولت تصمیم بگیرد که املاک را در تمام نقاط ایران قراپشک بکند پس از اینکه قراپشک کرد و چند سالی

گذشت و رعیت جانی گرفت و استطاعتی پیدا کرد آنوقت آن املاک را بهمان زارعی که در آن املاک زراعت میکنند با قسط بدهند و پولش را در یکمدتی بگیرند ( البته در یکفا صلّه محدودی که فوق العاده زیاد هم نباشد) که هم ما از گیر این خالصه خلاص شده باشیم و هم اینکه بالاخره مردم این مملکت یک راه اعاشه بطور منظم و صحیحی داشته باشند بواسطه اینکه میدانند خودشان مالک هستند و قطعاً از حیث انتظامات هم که حالا نمیخواهم عرض کنم برای سیاست مملکت بهتر است و ممکن است سرمایه را هم که برای بانک میخواهیم از محل دیگری پیدا کنیم تا بعد که این املاک بفروش رفت و پولش جمع شد در یک صندوقی بالاخره آن صندوق هم میشود صندوق فلاحتی ولی اگر بخواهید غیر از این بکنید نتیجه اش معلوم است که چه میشود و از حالا پیش بینی میشود که یکعده از اشخاص میآیند بخیال ملک داری میآفتند و شاید یکعده شان هم سابقه بملک داری ندارند و از طرف دیگر خود این مسئله باعث تنزل قیمت سایر املاک میشود زیرا وقتی که یکمقدار ملک وارد بازار ملک فروشی شد (مثل اینکه هر جنسی که زیاد شد طبعاً قیمت آن تنزل پیدا میکند) بطور کلی قیمت ملک سلاکین تا یکمدتی تنزل پیدا میکند و بالاخره یکمقدار ملک خراب از دست دولت بدست یکعده اشخاص دیگری افتاده است و باینجهت است که بنده تصور میکنم باید قطع نظر از قضایائی که بطور سرسری نگاه میکنیم بکنیم و در این مورد بخصوص آقایان مطالعات بیشتری بفرمایند و همچنین یک دقتهای بیشتری چه از طرف وزارت مالیه و چه از طرف هیئت دولت در سوقی که میخواهند این لایحه را تهیه کنند بفرمایند و این مسائل را در نظر بگیرند و مخصوصاً مطالعاتی در اداره مالیه بمسئله قراپشک که فعلاً هم موجود است بفرمایند و عجله نداشته باشند در این کار و بالاخره بخیال اینکه از توی چاله در بیایند توی چاه نیفتند. این بود عرایض بنده بطور کلی.

رئیس — آقای بهار (اجازه)

مدرس — بنده هم اجازه خواسته بودم

بهار — اگر آقای مدرس فرمایشی دارند ممکن است عوض

بنده بفرمایند.

رئیس — (خطاب با آقای مدرس) بفرمائید.

مدرس — عرض میشود آن روزی که آقای فهیم الملک نطق میفرمودند یکماده را نسبت دادند به بنده که نمیدانم کدام ماده بود ولی خصوص اینماده خالصه یک عقیده پیدا شده است عقیده جمعی. اولاً پروگرام را چه دولت بدهد و چه مجلس تصویب کند باید بمقتضیات و احتیاجات دقت بالخصوص باشد که ببینیم امروز چه باید بکنیم که از برای مردم نفعی متصور باشد و ضرری هم متوجه نشود. مطابق تجربیاتی که در مملکت بالخصوص دیدیم (حالا شاید در مسالک دیگر هم اینطور باشد) این است که دولت نه ملاکی میتواند بکند نه تجارت میتواند بکند نه چارو داری میتواند بکند و نه اتومبیل رانی و تاکنون هر چه کرده است دیدیم ضرر کرده است (بعضی از نمایندگان صحیح است) دولت در حقیقت باید شبان ملت باشد یعنی مرتع خوب. اسباب خوب. وقت

خوب تهیه بکند و در آنها نظارت داشته باشد که آنها بتوانند زندگی بکنند و در واقع نوکر ملت است. اساساً من عقیده‌ام این است که ملک‌داری را چه بفرموده آقای داور قراپشک‌کنندوزرع کنند و چه مثل حالا بلوک بلوک باشد دولت نمی‌تواند اداره کند و در این سنوات دیدید که هر وزیر مالیه آمد هر مستخدم خارجی هم آوردیم فائده نکرد. حالا هم البته تصدیق می‌کنید که ما آمده‌ایم بمقتضیات وقت این کار را بکنیم زیرا امروز احتیاج ما باقتصادیات و توسعه زندگانی از برای عموم فوق‌العاده است و این در واقع از اهم امورات یعنی شب‌روز اگر دولت بخواهد کار بکند باید در این موضوع کار بکند مجلس هم اگر بخواهد کار بکند باید در این مرحله کار بکند و این ماده هم برای این کار نفع دارد و ضرر ندارد. من خیال می‌کنم حالا شاید دولت با آقایان و کلاء در این مسئله ابعان نظر بفرمایند و بعد کیفیت تنظیمش را بیاورند ولی من چون خودم صاحب این عقیده بودم یکماه قبل با دکتر سیلسپو دو ساعت در این موضوع مذاکره کردم. البته باید بمزایده گذارد. البته باید مهلت و مدت درش گذاشت البته باید سنواتی بگذرد تا آنها بفروش بروند. البته باید رعیت محل را اگر قدرت دارد او را مقدم داشت. این شرایط را دولت باید در نظر بگیرد و در تقدیم این لایحه یقیناً باید منظور نماید. آقایان فرمایشاتی که می‌فرمایند کانه نقطه نظرشان با این املاک سزوعی است ولی بنده می‌خواهم عرض کنم که خالصه دولت و مالیه دولت انحصار با این املاک و اراضی سزوعی ندارد. اینقدر اراضی و املاک بائویناهای بائر دارد که چه عرض کنم. شما ملاحظه بفرمائید آن مالیاتی را که در آن دوره لغو کردیم اینقدر اینیه در این راهها ساخته‌اند و الان بائر افتاده است که اساساً تمام خراب میشود و از بین می‌رود. اینقدر کاروانسراهای مخروبه در این اطراف هست که همه بدون صاحب افتاده است و بنده عقیده‌ام این است که بجای اینکه آقایان در این ماده نوشته‌اند (فروش) حق این بود که بنویسند نقل و انتقال و بلکه حراج کنند و لولاینگه مشتری پولی هم پیدا نشود مجانی بدهند بواسطه اینکه آن بنائنی که ساخته‌اند و در فلان بیابان افتاده و الان بائر است شاید اگر بیکی مجانی دادید دارد آنجا را قهوه‌خانه بسازد و پهلویش زندگی کند و الا هیچ قابل اینکه یققران پول هم بدهند نیست. اساساً معنی اقتصاد این است که ما تسویه را نقد کنیم و خراب را آباد کنیم. شما می‌فرمائید اگر این املاک خالصه بدست مردم بیفتد خراب‌تر از این قسمتی که دست دولت است میشود. بنده که گمان نمی‌کنم.

بنده همینقدر می‌خواهم عرض کنم که اگر الان دولت ده خروار می‌کارد و پانزده خروار بر میدارد من اگر به بینم یکفرد خروار می‌کارد و شانزده خروار بر میدارد من او را مقدم میدانم چرا؟ برای اینکه آقا ملکی هم که دست مردم باشد مال دولت است دولت جدا نیست از ملت. مات هم جدا نیست از دولت اگر ملت چیز داشته باشد دولت چیز دارد اگر دولت فقیر باشد ملت فقیر است. بنده عقیده‌ام بر حراج و مزایده است و اگر یک‌دهی بتقویم برسد و صد هزار تومان قیمت کنند و آن را بخواهند به پنج هزار تومان من

موافقم که بدهند چرا؟ برای اینکه هر کس در این خالصه‌جات و اوقاف ایران سیر کرده است که تقریباً ثلث ایران را تشکیل میدهد دیده است که تمام خراب است و مردم هم بیکار. من اگر ارباب بودم ده نفر رعیت را دوازده نفر می‌کردم و برای مردم کار پیدا می‌کردم الان ملکی که صد خروار عایدیش است اگر دست خود آقای داور باشد اگر دست من باشد که از هیچ چیز هم سر رشته ندارم قطعاً صد خروار را صد و پنجاه خروار می‌کنم. اینها بعقیده بنده واضحات است و البته همینطور که فرمودند باید شرایط خوب و وضعیات خوب اختیار کرد که زود فروخته شود یا مجانی شود یا بعقیده من در مقابل حقوق بدهد کی است که بر ندارد؟ بنده سالی هزار تومان از دولت حقوق می‌گیرم. دولت باید صد دینار صد دینار از مردم بگیرد و من بدهد اگر در عوضش دولت یک تکه ملک بمن بدهد بگوید برو زراعت کن و مالیات بده این نفع هشت طرفی دارد یکی مستمری دارد. یکی مثل من این سالی هزار تومانی که باید بمن بدهد یا حق یا باطل یا خوب و یا بد هر چه هست اگر بمن که هزار تومان میدهد بزیدی که صد تومان میدهد بگوید این سه دانگ ملک را بگیر برو زراعت کن و مالیاتش را بده و صاحب دولت شو ضرری دارد؟ این منفعت ده طرفی دارد. بعقیده من مانی توانیم پول از خارج بیاوریم اقتصادمان را درست کنیم. مانی توانیم پول قرض کنیم اقتصادمان را اصلاح کنیم و بهترین شقوق این است که این املاک خالصه. این بناهای بائر یا غیر بائر این بناهایی که شما دارید و همه روی خرابی دارم بیرون اگر مجانی بدهید بیک کسی البته آبادش میکنند. و می‌رود توش می‌نشینند.

بلی شرایطش را بنده تصدیق می‌کنم که باید یک شرایط سهل و آسانی باشد. بنده با دکتر سیلسپو مذاکره کردم اگر ده ساله یک ملکی را کسی بخرد و زراعت کند و از پرتوش منافع بدولت بدهد و آن منافع را در بانک فلاحتی بگذارند عیبی دارد؟ بنده که گمان نمی‌کنم. زیرا این مسئله نفعش معین است و بعقیده بنده ضرر ندارد. لهذا کاسلا بنده این ساده را عملی میدانم. و تدریجی را هم اگر نوشته بودند خودش قهرماً تدریجی بود.

وزیر مالیه— بنده تذکراً عرض می‌کنم این تذکری که آقای داور راجع بشرایط اظهار کردند و آقای مدرس هم فرمودند این شرایط کاسلا در نظر هست و بالفعل هم مشغولند برای تدارک این موادی که برای این موضوع لازم است و بعد از آن که آن قانون در مجلس آمد البته در جزئیاتش آقایان نظریات خودشان را اظهار خواهند کرد فرمود.

جمعی از نمایندگان— مذاکرات کافی است.

رئیس— قسمت پنجم قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ه— تأسیس بانک دولتی با یک شعبه رهنی که پیشنهاد آن فوراً تقدیم خواهد شد.

رئیس— آقای فرمند.

فرمند— عرضی ندارم.

رئیس— آقای ارباب.

که حقیقه نمی‌توان بشرح درآورد و نمیدانیم کدام قسمتش را بگوئیم. اینجا اولاً لازم است عرض کنم:

بعضی از مدافعین وقتی که اینجا تشریف می‌آورند بیاناتشان راطوری می‌فرمایند مثل اینکه ما مخالفیم ولی بنده خودم از اول عرض کردم که با دولت موافقم و آنچه را که اینجا عرض می‌کنم برای تذکرات و آنچه را که دولت و اکثریت صلاح بدانند من مطیعم. در اینجا گفته شد که همه این دردها را مجلس و مملکت میداند. بنده بنام نمایندگی مملکت و مجلس تذکر داده و میدهم برای اینکه دولت متوجه باشد که این قسمتها را در نظر بگیرد و آن کسانی که اینجا اظهار کردند آقای رئیس‌الوزراء عین پرگرام هستند البته صحیح است و کمال اطمینان هم حاصل است ولی این را هم باید عرض کنم که ما اشخاص خوب را برای اجرای قانون مشروطیت می‌خواهیم و همه اینها را برای راحتی ملت و مملکت. اینجا یکی از آقایان که مذاکره می‌فرمودند در عین حال به بنده اعتراض می‌کردند که چرا عرض می‌کنم فلان چیز داخل در پرگرام شود و می‌فرمودند حالا لازم نیست اینها را دولت در پرگرامش ذکر نماید.

مثلاً مسئله عریضه تجار که بنده آن را عین پرگرام میدانم می‌فرمایند حالا ذکرش لزومی ندارد یا فرضاً اگر چیزهای دیگر را بگوئیم لازم است می‌فرمایند حالا ضرورتی ندارد. یا اگر بنده بگویم اشیاء تجملی خانه این ملت را خراب کرد شاید در عین حال بفرمایند لازم نیست یا فلان آقا پیشنهاد می‌کند که فلان نقطه مدرسه دارالمعلمین باشد البته نمی‌گویم لازم نیست ولی وقتی که آن لازم شد آنوقت این عریض بنده هم لازم میشود پس در هر صورت هم آنها لازم است و هم اینها لازم است و هر دو هم تذکر است. اینجا نوشته شده است لایحه راجع باصلاح مالیه پیشنهاد خواهد شد این یک چیزی است که هم خیلی کش بر میدارد و هم خیلی دائره‌اش کم است. بنده اینها را که عرض می‌کنم برای تذکر است و البته اگر دولت اینها را در نظر دارد که گمان نمی‌کنم کسی مخالف باشد و اگر در نظر ندارد که عرض می‌کنم تذکر است. آیا مقصود از این اصلاح چه چیز است؟

اصلاح تشکیلات مالیه که ناقص است یا جلوگیری از اجحاف و تعدیاتی که مأمورین مالیه مینمایند اگر این است که بنده هم موافقم. آیا ارجاع محاسبه عمومی بدیوان محاسبات است که وجود ندارد؟ اگر آقای رئیس‌الوزراء و مجلس این نظر را دارند که بنده هم همین آرزو را دارم و کاسلا موافقم که رسیدگی بمحاسبات چند ساله مشروطیت بشود که هنوز تفریح آن بمجلس نیامده است و همه روزه اینجا تصویب میشود که فلان قدر داده شود اگر مقصود اینها است؟ که بنده کاسلا موافقم چون گرفتن از مردمش درست است ولی حسابش با کرام‌الکاتبین است. آیا عدم تبعیض است نسبت بمستخدمین و حقوق دادن بدون تبعیض به اجزاء؟ که بنده هم موافقم زیرا بطوریکه بنده میدانم قانون استخدام در بعضی وزارتخانه‌ها مورد توجه است ولی در وزارت مالیه کمتر طرف توجه است و اگر آقای وزیر مالیه مثل

ارباب کیخسرو— عرضی ندارم.

رئیس— آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب— بنده اساساً با این ماده موافقم زیرا اگر این ماده عملی شود مسلم است خیلی خوب است. این مسئله که می‌فرمایند بانک تأسیس کنیم مثل همان مسئله است که می‌گویند قرمه‌چلو را به چه ترتیب مینویسند. می‌فرمایند ما بانک دولتی تأسیس می‌کنیم اما توضیح ندادند آقای وزیر مالیه که این بانک سرمایه‌اش از کجا است و چه ترتیب است و لایحه‌اش هم نیست که ما در آن صحبت کنیم همینقدر یک الفاظ و عباراتی در اینجا بنده می‌بینم که مینویسند بانک تأسیس می‌کنیم. البته این عبارت خیلی خوب است که ما بانک رهنی داشته باشیم در وزارت فوائد عامه آقای داور بود که بنده خدمتشان رسیدم فرمودند قراری گذاشته‌ایم که هفتاد و پنج هزار تومان از پول قشون برداریم و یک بانک رهنی درست کنیم من بحسب عقیده خودم دعا کردم بواسطه اینکه فرمودی بختی مردم را گرفته است و حقیقه این شعبه‌های بانگهای رهنی خانه‌های مردم را خراب کرده‌اند و هر کس در سر این کوچها و گذرهای طهران نگاه می‌کنند می‌بیند که این بانگهای رهنی چه به سر مردم می‌آورند که حقیقه رقت‌آور است و این بالاترین قدمها است و عملی هم بود ولی حالا این بجه ترتیب عملی میشود بنده نمیدانم و اگر آقای وزیر مالیه عملی نکردند چه مجازاتی خواهند دید این را بنده می‌خواهم جواب بدهند.

وزیر مالیه— از بیانات آقای آقا سید یعقوب معلوم میشود که در اینباب بکلی موافقت و چون موافقت خیلی هم عجله دارند و می‌خواهند پیش از ذکر ماده این کار انجام بگیرد. این است که بنده پیش از ذکر ماده پیشنهاد آن را تقدیم میدارم که بدانند ترتیبش را هم داده‌ایم که انشاءالله تصویب و اجرا شود.

جمعی از نمایندگان— مذاکرات کافی است.

رئیس— قسمت ششم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

۶— تهیه و تقدیم لوایح لازمه برای اصلاحات راجعه بامور مالیه که عملاً ضرورت آنها ثابت گردیده است.

رئیس— آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو— بطوریکه قبلاً خواه از طرف بنده و خواه از طرف سایر آقایان عرض شده است بدیهی است مذاکراتی که اینجا میشود بقول آقای رئیس‌الوزراء برای حلاجی کردن است و اگر نظریاتی باشد بعرض برسانند. اینجا موضوع مالیه بدبختانه یا خوشبختانه قسمی پیش آمده است که این لغت بگوش هر کسی میرسد یک حال دیگر پیدا می‌کند در صورتی که واقعاً یکی از اصول اساسی مملکت است که هر قدر آن اصلاح شده باشد و هر قدر آن بجای خودش قائم باشد سایر اصول مملکت در جای خودش قائم است البته مایک وقتی در نظر گرفتیم که متخصص بیاوریم برای اصلاح مالیه مجلس هم همیشه کمال موافقت را داشته‌است برای اینکه امور مالیه بدست متخصصین اصلاح شود و تا اندازه‌هم متشکریم که تمرکز مالیه داده‌اند ولی بقدری خرابی در مالیه هست

سابق تشریف یاورند اینجا و بفرمایند قوانین مجلس کاملاً بموقع عمل گذارده میشود که بنده تردید میکنم.

فرمودند قوانین کاملاً بموقع اجرا گذارده میشود. اینجا دو جور قانون داریم یکی قانونهایی است که مجلس وضع کرده است. یک قانونی هم هست که خودشان آنجا وضع کرده‌اند. و حالا چند تا را بنده بطور مثال عرض میکنم. مثلاً تصویب نامه یا قانونی وضع میشود که باید مردم مالیات خودشان را مضاعف بدهند. چرا بابا؟ بالاخره همان مثلی است که آقای مدرس فرمودند و آن قضیه شتردار اصفهانی و یزدی که چوب احتیاطی سیزد. اینها هم برای اینکه شاید یک کمی بقایای مالیاتی داشته باشد میگویند همه مالیات را مضاعف بدهند. این چیز غریبی است!! یا اینکه هیچ مالکی حق ندارد یکدانه گندم یا جو از مسلک خودش بآورد. آنوقت باید رعیت بیچاره سرگردان بشود و فرسخها برود تا جوازش را از مالیه بگیرد برای چه؟ برای اینکه شاید یک مالکی یا یک رعیتی بقایا داشته باشد. آقا. قدرت مالیه بقدری است که هر چند میخواهد میکند نکاشته میدرد!! اسلک را ضبط میکند!! خرمن را توقیف میکند!! در این صورت چه گونه نمی تواند بقایا را وصول نماید؟ این هم حرف شد!! مالیات را مردم احتیاطاً مضاعف بدهند برای اینکه شاید یک کسی بقایا داشته باشد!! یکی دیگر از مشکلات مالیه مسئله ارزاق است آیا منظور رسیدگی بحساب آن و اصلاح آن است؟ بنده یکروز بخود رئیس کل مالیه که اطلاعات از یک مجاری رسمی به بنده رسیده بود که در یکی از دوائر ارزاق نود هزار تومان اختلاس شده است حالا بنده اسم نمیرم ولی از خود مقامات رسمی بنده شنیدم که خیلی بیش از اینها است.

حالا مسئله اختلاس را عرض نمیکنم ولی باید دید که سال گذشته باعث خساراتی که بدولت وارد آمد و راجع بارزاق بود کیست؟ زیرا اگر بموقع تهیه خودشان را از حیث ارزاق دیده بودند نه محتاج بآن همه بودند و نه این قضایا پیش میآمد و این خسارت هم بدولت وارد نمی آمد. مثلاً دائره نقلیه که تشکیل دادند متجاوز از یک سیلیون مصرف آنها شده است و الان کامیونهای که تهیه کرده‌اند آنجا افتاده است و بحراج گذارده‌اند و کسی نمی خرد. آیا مقصود رسیدگی به آنها است؟! و همچنین محدود کردن آنها بحدود معین و بقوانینی که تصویب شده است میباشد اگر این طور است که بنده هم موافقم. آیا رسیدگی بتظلمات عمومی است؟ از مالیه اشخاص زیاد و بیحساب نظام دارند. بموجب قانون اساسی سرجع تظلمات عمومی عدلیه است و هیچ استثنائی در آنجا نگذاشته است که اگر کسی از مالیه تظلم دارد نرود آنجا. ولی متأسفانه وقتی هم که میروند تظلم می کنند و محکوم میشوند آنوقت تازه از وزارت مالیه مینویسند قوانین عدلیه را در موضوع مالیه ما برسمیت نمی شناسیم خیلی عجیب است. انشاء الله دروغ است. اگر اداره رسمی دولتی بگوید سرجع تظلمات عمومی را که یک اصل بزرگ از قانون اساسی است که تفکیک میکند قوا را از یکدیگر برسمیت نمی شناسم پس برای کیست؟ برای همان ریسمان دزد است بنا بقول آقای دکتر مصدق؟ اینجا

در ضمن فرمایشی که یکی از آقایان در جلسه گذشته می فرمودند فرمودند که وقتی آقای دکتر مصدق در زمان وزارت مالیه شان ماده واحده پیشنهاد کردند قوانین صورت دیگر بخودش گرفت. خیر قوانین صورت دیگری بخودش نگرفت و قوانین کاملاً بر جای خودش در کمال استحکام است. قوانین آن روزی نقض میشود که نظیر آن یکساده بیاید در مجلس و تصویب بکنند که فلان قانون نسخ شد بنابراین قوانین در جای خودش در کمال اعتبار و استحکام باقی است تا موقعی که از طرف مجلس نسخ شود و وزارت مالیه مکلف است قوانین مجلس را محترم بشمارد و اگر نظریه دارد باید پیشنهاد بکند. پس در هر صورت آن قوانین در جای خودش محکم است ولی نهایت چیزی که هست این است که اجراء قانون بر سبیل اراده اشخاص بوده است. مثلاً میل داشته‌اند یکی را مقدس دانسته‌اند یا یکی را لازم الاجراء ندانسته‌اند مثل اینکه وقتی که قانون ۲۳ جوزا راجع بشوستر نوشته شد مقدس بود و هر قانون دیگری هم که اینجا آمد و گذشت باز آن قانون ۲۳ جوزا محترم بود حالا هم قوانینی که میگردد همین صورت را دارد. این بود. یکی از عرایض بنده که در کلیات عرض کردم که این قوانینی که تصویب شده است اگر دولت قابل الاجراء میدانند باید اجرا کنند چون مکلف است باجاء و اگر اصلاحاتی در آن لازم میدانند آنها را پیشنهاد کنند تا آن اصلاحات را مجلس انجام دهد ولی بمیل و اراده خودش قانون تصویب شده را آنجا نگذارد و بگوید که من صلاح میدانم اطاعت آن را بکنم. این کاملاً مخالف با مشروطیت است یعنی من مشروطیت را صلاح نمیدانم. از اینجهت است که بنده عرض میکنم اگر نظریات دولت راجع باین قضایائی است که عرض کردم و راجع باین نوع اصلاحات است که بنده عرضی ندارم و کاملاً موافقم ولی اگر یک نظریات دیگری است استدعا میکنم توضیح بفرمایند تا آنوقت اگر بنده نظری دارم عرض کنم. اگر چه راجع باین قسمتها بقدری در نظر دارم که شاید هیچ مصلحت نباشد عرض کنم و بوجه هم در پیش است و انشاء الله در آنجا صحبت میکنم. بهر صورت ما چه میخواهیم؟ از تنقیدی که در اینجا میشود ما چه میخواهیم؟ نتیجه اش اصلاح مالیه برای مملکت است و بالاخره آن نتیجه صحیحی است که گرفته بشود و البته مجلس بدولت هیچ نظرسوئی ندارد و اینها را هم که عرض کردم برای تذکر است و اگر دولت هم همین نظریات را دارد که بنده عرضی ندارم.

وزیر مالیه - آقایان تصدیق میفرمایند که استخدام مستشارهای آمریکائی بر حسب قانون شده است و تشکیل کنترات آنها و شرایطی که برای آنها مقرر شده است از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است و بنده تصور میکنم یکی از خدماتی که مجلس شورای ملی باین مملکت کرده است همین استخدام مستشارها است. برای اینکه همه کار را نباید تنقید کرد و در کارهایی که اتفاق می افتد در یک مملکتی البته باید خیر و صلاح را سنجید معایب را هم سنجید وقتی که خیر و صلاح و معایب تشخیص داده شد آنوقت قدم بگذارند باصلاح معایب. راجع بمستشاران آمریکائی که عبارت از دکتر میلیسپو و سایر مستشارهای

آمریکائی است که بایران آمده‌اند بنده نمی توانم قدرشناسی نکنم برای اینکه تمرکز عایدات دولت و رساندن وجوهات مملکتی اینها یک چیزهایی بوده است که سابقه در ایران نداشته است و بقدر مقدور زحمات خودشان را در این قسمت کشیده‌اند و باصحت کامل مشغول انجام وظیفه هستند. پس باید اهل این مملکت از یک خادمینی که بطور صحت و اسانت صرف اوقات میکنند برای اصلاحات مملکتی قدرشناسی بکنند. آقای ارباب راجع بقانون اشاره فرمودند و اظهاراتی داشتند. بنده که غیر از آن چیزی که در مجلس میگردد چیز دیگری را قانون نمی دانم. آن چیزهایی که در وزارتخانه‌ها یا ادارات وضع می کنند آنها قانون نیست. آنها نظامنامه است. آقایان بفرمایند موضوع همان کا کاسیاه است از همان نظامنامه‌ها باید ترسید.

(صدای زنگ رئیس)

وزیر مالیه - تصور می کنم که قانون آن چیزی است که از تصویب مجلس می گذرد. البته یک معایب و چیزهای فرعی هم در ادارات اتفاق می افتد و در ایران تنها هم نیست در جاهای دیگر هم هست. هر کس خارجه را دیده است می داند ولی البته این معایب را باید اصلاح کرد و نمی توان در مصالح مملکتی به این نظر آن اصول را هم فدای این فروع کرد. اینکه دولت در اینجا پیشنهاد کرده است البته خاطر محترم آقایان مسبوق است که در پروگرام دولت همیشه کلیات را می نویسد و در تحت آن کلیات یک مسائل جزئی هم هست که باید اقدام کرد و انجام داد پس به طور کلی یک لفظ جامعی را ذکر می کنند که آن مسائل را حائز باشد و البته در صورتیکه قوانین دیگری هم هست که در آنجاها ممکن است این مسائل جزئی ذکر شود دیگر سزاوار نیست در پروگرام ذکر شود این است که هم دولت و هم مستشاران آمریکائی و هم خود دکتر میلیسپو ملتفت این مسئله هستند و البته چیزهایی در مالیه است که محتاج باصلاح است و این ماده هم که اینجا ذکر شده برای اصلاح معایبی است که مستشاران در جریان کار دیده‌اند و به آن برخورد دارند و البته آنها مطیع دولتند و خودشان در نظر گرفته‌اند که با دولت موافقت بکنند و این مسائل را اجراء کنند که هم جلب رضایت مردم را کرده باشند و هم نظر مجلس را جلب کنند و اینها مسائلی است که دولت لازم می داند که ادارات مالیه اش یک طوری بشود که هم اسباب انتفاع مملکت باشد و هم موجبات آسایش مردم فراهم شود برای اینکه این یک اداره است که برای خیر عموم است و دولت کمال جدیت را دارد که در این باب اقدام بشود و مستشاران مالیه هم کاملاً متوجهند و البته امیدواریم مسائل طوری شود که اسباب رضایت عموم باشد.

ارباب کیخسرو - عرایضی که بنده عرض کردم طرف بنده وزیر مالیه بود و بنده نظرم به آمریکائیها نبود زیرا مجلس همیشه با وزیر و وزارتخانه طرف است و بنده اینجا داخل در موضوع امریکائی و متحدین امریکائی نشدم و مخصوصاً گفتم که به مالیه تمرکزاتی داده‌اند. مجلس هر وقت طرف است با وزیر آن وزارتخانه طرف است نه با اشخاص دیگر.

رئیس - آقای فهیمی (اجازه)

فهیمی - در تعقیب بیانات آقای ارباب بنده انتظار داشتم که آقای وزیر مالیه بیشتر از این وعده اصلاح معایب مالیه را می دادند لیکن بعضی قسمتهای فرمایشاتشان بنده را مجبور کرد که فرمایشات آقای ارباب را تعقیب کنم مطابق فرمایش چند روز قبل آقای وثوق الدوله وزیر عدلیه، متقد البته باید همیشه معایب و محاسن کار را ذکر کند که دلیل بر بی طرفی او باشد بنابراین بنده هم همینطور عرض می کنم؛ وزارت مالیه و جریبان کارهای مالیه بعد از آن مستشارها البته یک بهبودی هائی پیدا کرده است از قبیل تمرکز عایدات. پرداخت مخارج. تقطیش مخارج. و اینکه مخارج از حدود بودجه تجاوز نکند و تصویب نامه مجلس همیشه محترم شمرده شود و البته این مسائل تا یک اندازه رعایت شده است. لیکن متأسفانه باید عرض کنم که رعایت این اصل در خود وزارت مالیه کمتر می شود. مقصود مملکت و مجلس از استخدام چند نکته است یکی اینکه مستشارها چون به موجب کنتراتی اجیر می شوند و تغییر و تبدیل آنها مطابق تغییرات متوالیه کابینه‌ها نیست دوام خواهند داشت و این ثبات و دوام هر چه باشد اسباب پیشرفت کار است البته باید اصولی را که به موقع اجرا می گذارند یک مدتی دوام داشته باشد تا نتیجه آن بدست بیاید یکی دیگر اینکه چون آنها متخصصند در کار و آشنا به اصول اداری هستند بهتر می توانند تشکیلات ادارات ما را بدهند و اصلاح کنند و دیگر اینکه چون با اشخاص داخل حب و بغض هائی نیستند و طرفیت ندارند یا کمال بیطرفی آنچه شایسته اصلاحات اداری است با در نظر گرفتن احتیاجات بموقع عمل خواهند گذارد و خصوصیت و خصوصیتی هم با اشخاص نخواهند داشت ولی این نکات در اینجا کمتر رعایت شده است - زیرا اگر ما به تشکیلات وزارت مالیه مراجعه کنیم خواهیم دید تقریباً قسمی است که سسیو سرناد متوفی و بعقیده من مرحوم درست کرده است زیرا به عقیده بنده سسیو سرناد خیلی خدمت باین مملکت در قسمت مالیه کرده است حالا هم همان تشکیلات است با یک قدری بدتر زیرا مقصود از تشکیلات تشکیل اداره و شعبه و اینها نیست تشکیل ادارات آنچه را که ارکانیزاسیون میگویند یعنی جریان امور اداره و وزارتخانه بر روی یک اصولی که کار مملکت و آن اداره بر روی یک جریان صحیحی باشد که مردم بدانند نتیجه کارشان یا احتیاجشان بآن اداره چه خواهد شد و محتاج بتوصیه و سفارش و دوندگی نخواهند شد ولی آقایان میدانند بچه نحو کارهای مردم میگردد و خاتمه پیدا میکند - اشخاصی را بنده می شناسم که یک سال دو سال است در ادارات مالیه دوندگی می کنند و هنوز کارشان بجائی نرسیده و هیچ نمیدانند چه میشود و این را هم عرض می کنم که این جریانها و تعویقات طوری نیست که متوجه مستشاران آمریکائی بشود که تصور شود آنها در این باب یک تقصیری دارند...

آقا سید یعقوب - مستخدمند نه مستشار.

فهیمی - مثلاً چه قدر از املاک مردم را بعنوان خالصه ضبط می کنند بنده در یکی دو ماه قبل باد کتر میلیسپو مذاکره کردم و توضیح

دادم که اسلاکی که فرضاً عنوان خالصه دارد شما که ضبط می کنید مدرکی ندارید باید تحقیق کنید به بینید سند یا مدرکی در دست هست یا نه بعد که معلوم شد اگر مقتضی دانستید حکم ضبط بدهید ولی مأمورین مالیه اگر بختار باشند و آزاد باشند که هرملکی را بعنوان خالصه ضبط کنند اسباب اشکال می شود در این صورت اگر مالک آن ملک آدم عاقلی باشد دنیا دیده فوراً با مأمور مالیه اصلاح میکند و عمل را ختم میکند والا اگر یک قدری مغرور باشد و رجوع کند به مرکز آنقدر طول می کشد که آن ملک از دست او بیرون می رود پس از مذاکرات اینطور قرار شد که تلگراف کنند بمأمورین که هرملکی را شما تصور میکنید صاحب معینی ندارد و خالصه است دلایل خودتان را ذکر کنید تا بعد ترتیبی داده شود این تلگراف را کردند و درجارید هم نوشتند ولی پس از مدتی باز خود بنده یک تلگرافی داشتم از قوچان که ملک یک شخصی را که هیچ مورد گنگوی دولت نبود و فرمان انتقال آن معین بوده است رفته اند ضبط کرده اند آخر این مأمورین بالاخره در تحت حکم که هستند؟ چه می کنند؟ کتی باید بآنها حکم بدهد؟ آن مأمورین هم مطمئن هستند که در مرکز یک دستهای دیگری است که از رساندن عرایض بمقامات عالییه حتی الامکان جلوگیری می کنند. این اصول را باید خاتمه داد - که مردم مطمئن باشند بمراجعات بدولت در اینجا رؤسای مافوق در عمل آلت اغراض اشخاص زیر دست هستند - دیگر اینکه یک ترتیب غریبی در مالیه جریان داشته حالا نمیدانم هنوز همان ترتیب باقی است یا خیر و آن این است که یک نفر مستشار آمریکائی چند نفر آسیستان بعنوان معاون برای خودشان اختیار می کنند و آن اشخاص با اسم مستشار امضاء می کنند - یعنی اسم او را در کاغذ مینویسند و امضاء می کنند فلان معاون مینویسد مالک کرامک این مثل این است که بنده بتوانم امضای وزیر مالیه را بنویسم (حاج محترم السلطنه وزیر مالیه) و همین سند باشد - شاید در آمریکا این اصول معمول است که ده نفر اجازه داشته باشند اسم یک شخصی را بجای او بنویسند - خوب با این ترتیب مسئولیت چه طور میشود؟ مسئولیت مافوق کجا است و کار مردم در کجا درست میشود؟ البته هرچه را صلاح دانستند امضاء می کنند و هرچه را صلاح ندانستند نمی کنند در این صورت آن اشخاص بیچاره که دست رسی بمقام مافوق آمریکائی ندارند تکلیفشان چه خواهد بود؟ همینطور سایر کارهای اداری و محاسبه خیلی نقص دارد - ملاحظه فرمائید از اول مشروطه تا بحال که تقریباً اصل محاسبه بیک شکل جدیدی جریان پیدا کرده است نظیر کسر صندوق اصفهان سابقه داشته است؟ که دو بیست یا صد پنجاه هزار تومان کسر صندوق پیدا شود؟ آنهم بایک ترتیب غریبی روز اول که مفتش می رود و راپرت این صندوق را میدهد مینویسد بیست هزار تومان تا بیست و پنج هزار تومان کسر است. همان مفتش متصدی عمل میشود - رئیس مالیه را میفرستند بطهران و عجب در این است که قریب سی چهل روزی که همان مفتش متصدی امر بوده در همان مدت صد و چهار هزار تومان کسر پیدا شده است اول بیست و چهار هزار تومان کسر بوده ولی در مدت

قلیل تصدی این مفتش صد و چهار هزار تومان کسر پیدا شده است خوب آنهم یک مقصر بوده - اولی را گفتند احتمال می رود بیست و پنج شش هزار تومان کسر داشته باشد ولی دومی صد و چهار هزار تومان کسر پیدا میکند بعد می آیند به مرکز بعهده رئیس مالیه تقصیری وارد نمایم محاسب و غیره را تعقیب می کنند همان رئیس مالیه را که گفتند تقصیر ندارد به مجلس و نظمی میفرستند بعد از تمام این ترتیبات میلیسیو در راپرت خودش تصریح میکند که در موضوع کسر صندوق اصفهان خدمات شایان را اداره نظمی با ما کرد و خیلی کمک کرد همینطور هم بود بنده اطلاع دارم که راپرت اداره نظمی با کمال بیطرفی بود و در همان راپرت اشاره میکند بان کسر فوق العاده که در زمان مفتش واقع شده تصور میکنید با مفتش چه شد - با کمال احترام در معاونت اداره خزانه داری نشسته است هیچ تعرضی هم با او نمیشود - اگر واقعاً باید یک مستشاری با کمال بیطرفی رفتار کند - فرق نمیکند رئیس مالیه یا فلان و فلان هر کدام تقصیری میکنند باید تعقیب شوند - حالا این تبعیض برای چیست بنده نمیخواهم عرض کنم که شاید تبعیت سابقه مفتش هنوز او را مقدس نگاه داشته است و نباید با او طرف شد - خصوصیت بازی برای چه؟ به خصوص با این ضرفقحش و با همان راپرت نظمی که دکتر میلیسیو کشف قضیه را در راپرت خود مستند بان راپرت کرده است - در این صورت چرا نباید تعقیب شود؟! آیا این مسئله غیر از این است که اشخاص را بیک راههای بدی سوق بدهد و تجری کنند؟ در نتیجه عمل پارسال تا بحال ملاحظه فرمائید چه قدر کسر در مالیات اصفهان پیدا شده است نسبت بسال قبل قریب صد هزار تومان کسر پیدا شده است در اثر همین قضایا و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است - حالا خوب است خواهش کنیم که بهمان مبلغ اکتفا کنند و این مخارج را علاوه نکنند - چهار سال است بالاخره کار میکنند اسسال سال پنجم است در نتیجه عملیات چهار ساله آنطوریکه عرض کردم برای تقویت و رسیدگی بمخارج و عایدات و غیره یک خدماتی شده است ولی نسبت باضافه عایدات هنوز خدمتی از آنها بروز نکرده است بجهت اینکه عایدات الان قریب بیست و چهار میلیون یا بیست و پنج میلیون است آنچه در راپرت خودشان مینویسند قریب هیجده میلیون پولی است که مالیه وصول میکند و در مقابل چهار میلیون و دو بیست هزار تومان مخارج دارد از این هیجده میلیون هشت یا نه میلیون عایدات کم کات است که مربوط بمالیه نیست - هشت میلیون و نیم عایدات مالیات ارضی و خالصجات و عایدات مالیات غیر مستقیم است که مالیه وصول میکند اگر هفتصد و پنجاه یا هشتصد هزار تومان بود چه گمرک را از چهار میلیون و دو بیست هزار تومان کسر کنیم قریب سه میلیون و دو بیست سیصد هزار تومان مخارج وزارت مالیه خواهد بود یعنی گمرک برای وصول عایدات خودش صدی هشت یا صدی نه خرج میکند در صورتیکه مالیه صدی سی و پنج خرج می کند و اگر عایدات قند و چای را حساب کنیم خواهیم دید که گمرک صدی پنج خرج میکند در صورتیکه مالیه قدری کمتر از نصف خرج میکند از آنطرف هم توجه کنید که چه بلائی بسرمردم

سیاوردید برای وصول این مالیاتها؟ رجوع کنید بولایات به بینید چه تحمیلاتی به طبقات زارع و غیره میشود - برای هر عنوانی یک تحمیلات فوق العاده از قبیل سهمانی و چیزهای دیگر بر آنها بار میشود تا صد دینار از آنها وصول کنند الان شروع کرده اند با اجرای قانون سمیزی - بنده صراحتاً عرض میکنم قانون سمیزی نتیجه نخواهد داد که هیچ، یک صد مانی هم بمردم وارد میکند و عایدات دولت را هم کسر میکند و بالاخره نتیجه هم ندارد زیرا برای سمیزی این ترتیبی که شروع شده است یک اشخاصی را بدون هیچ سابقه و اطلاع از توی کوچه میآورند و میفرستند برای سمیزی آخر سمیزی یک اطلاعاتی میخواهد - سابقه میخواهد و اگر اجزاء و اشخاص و مستخدم بقدر کفایت برای این عمل نیست لازم نیست یک مرتبه شروع کنند - اگر میفرمائید در قانون مجلس دو سال معین شده برای اجرای قانون سمیزی ممکن است وزارت مالیه یک پیشنهادی بیاورد بمجلس که چون اسباب اجرای قانون سمیزی برای وزارت مالیه فراهم نیست دو سال دیگر هم تمدید بدهید - مجلس هم کمال موافقت را دارد زیرا مجلس همچو نظری نداشته است که برای اجرای قانون سمیزی قبل از دو سال هر بلائی میخواهد بسر مردم میآورند - مجلس نظرش این بوده است که قانون سمیزی هر قدر زودتر ممکن است اجرا شود ولی برای آسایش مردم حالا گذشته از اینکه در مقابل این مالیاتها یک مخارجی میکنند یک مخارج فوق العاده دیگر هم در جریان است از جمله یکی از مسائل همانطور که آقای ارباب کیخسرو ذکر کردند مخارج اداره ارزاق است اگر آقای وزیر مالیه موافق شدند حساب اداره ارزاق را صورت بگیرند و برای مجلس بیاورند بنده پیشنهاد می کنم که مجسمه ایشان را برای سالهای سال بسازند برای اینکه مطمئنم همچو چیزی نخواهد شد زیرا بقدری مخارج و حساب اداره ارزاق و حمل و نقل مبهم و بی اساس است که هیچ ممکن نیست با همه این رژیمهای محاسب بتوانند سر در بیاورند همانطور که آقای مدرس اظهار کردند لازم نیست دولت چاروا دار باشد اداره حمل و نقل برای چیست؟ یک میلیون و دو بیست هزار تومان سوابق صورتیکه خودشان دادند از روز اولی که اداره حمل و نقل تأسیس شده است خرج اثاثیه و وسایل نقلیه و غیره کرده اند الان هم از قریب سی و شصت و هفتاد هزار تومان در ماه مخارج این اداره است - آخر پیرسید عایدات این اداره چیست؟ عایدات این اداره عبارت است از آن کامیونتهائی که آنجاها ریخته اند و میخواهند بفروشد خرواری هم کسی نمیخرد و معلوم نیست برای چه اینها را دولت نگاه میدارد!! بدهند بدست مردم و اگر هم میخواهند کار بکنند پیش بینی بکنند بطوریکه نافع باشد نه اینکه یک کمپانی که تمام شده بود و یک مشت ماشین شکسته داشت و میخواست دور بریزد آنچه اسباب از اینجا تا بین النهرین داشت خریدند و رئیس کمپانی را هم ماهی دو بیست و پنجاه تومان تا چند ماه اجیر کردند - این خصوصیتها برای چیست کجا ملت و مجلس این اجازه را داده بود که تا چند سال این مخارج بیهوده را بکنند اما قسمت سوم که راجع به بیطرفی در مورد اشخاص عرض کردم یک قانونی در دوره چهارم گذشت بعنوان قانون استخدام که

ادارات بتوانند از زیر بار توصیه و سفارش بیرون بیایند و مستخدمین دولت امیدواری بآتیه داشته باشند چه در حال خدمت و چه در حال انتظار خدمت و در سوغ و ورود بخدست شرایط معین را داشته باشند و هر روز گرفتاری و زراء را از حیث توصیه و فشار و غیره زیاد نکنند وزارت مالیه البته همانطور که در کلمات دکتر میلیسیو نوشته شده است باید رعایت و احترام قوانین را همیشه ملحوظ بدارند از جمله قانون استخدام - الان در وزارت مالیه یک اداره درست کرده اند باسم اداره استخدام کشوری یعنی تمام مستخدمین دولت اداره شان آنجا است - بنده در قانون استخدام ندیدم هیچ که نوشته باشد وزارت مالیه مأمور اجرای قانون استخدام است تمام وزراء در حدود خودشان مأمور اجرای قانون استخدام هستند. ملاحظه فرمائید اگر یک اداره در یک وزارتخانه بخصوص تشکیل بشود و تمام مستخدمین وزارتخانه ها مقدرات خودشان را در آن اداره بشناسند دیگر وزراء آنها چه نفوذی در آنها خواهند داشت؟ وزراء که مسئول کارهای مملکت هستند وسایل و ابزار کارشان مستخدمین آن وزارتخانه ها هستند که بایستی کاملاً تابع وزیرشان باشند - مستخدمین وقتی این رعایت را می کنند که بدانند مقدرات آنها ترفیع و تنزل رتبه شان و بیم و امیدشان مربوط است به وزارتخانه خودشان ولی وقتی یک اداره مخصوص برای این کار در یک وزارتخانه مخصوص معین شد و تمام این مسائل بیک وزارتخانه رجوع شد دیگر وزارتخانه آنها چه تأثیری دارد - وزیر باید در مقدرات اجزای خودش اظهار عقیده کند - اینها چه لزومی دارد؟ وزارت مالیه هم باید یک پرسنلی داشته باشد مثل سایر وزارتخانه ها بایک اداره تقاعدی برای اشخاص که مطابق قانون بعد تقاعد میسرند یک اداره استخدام کشوری که بگویند در فلان اداره فلان ثبات حق دارد بماند یا نه؛ در این صورت وجود وزیر داخله مثلاً لزومی ندارد - بعلاوه در خود وزارت مالیه هم باز تبعیض در کار است یک عده خیلی طرف توجه هستند چه از حیث حقوق و چه از حیث رتبه چه از حیث فوق العاده اضافه کار و انعامات متوالی فراوان - ولی یک عده دیگر با تمام سوابق - با تمام اطلاعات و چیزهائی که دارند در وزارت مالیه همیشه مورد همه جوری لطفی و عدم التفات باید واقع شوند و بدرک توجه باشخاص عجلان شده است زبان انگلیسی که هر کس دو کلمه دانست کاملاً طرف توجه است و همه جور رعایت را مستلزم است ولی اگر ندانست هیچ - همینطور یک عده اشخاصی باسم انتظار خدمت ...

رئیس - اصلاً فرمایشات شما مربوط بقسمت شش نیست قسمت ششم میگوید راجع باصلاح امور مالیه آیا با اصلاح امور مالیه مخالفید ....

فهیمی - این مسائل را آیا آقای وزیر مالیه اصلاح ... رئیس - ممکن است این فرمایشات را در موقع دیگر بفرمایید و الا تکلیف بنده مشکل است این مدجیددی شده است.

فهیمی - اینجا چون نوشته اند لوایح راجع باصلاحات مالیه آیا اصلاحات مالیه این چیزها است که میخواهند آقای وزیر مالیه بکنند - همانطور که در کلیات عرض کردم مواد مبهم است آیا اصلاحات مالیه که یک لفظ مبهم و کلی است اصلاحاتی است که

بنده عرض کردم یا چیز دیگری است؟ این پرگرام اگر یک مقدمه کاملی داشت که تمام این مواد را شرح داده بود بنده میدانستم که مقصود چیست ولی اینکه اینجا نوشته شده است بنده از کجا باید بدانم که این اصلاحات در نظر گرفته شده است یا خیر. البته اگر توضیحاتی بدهند که مافانغ شویم عرایض خود را کوتاه خواهیم کرد.

رئیس - تصور میکنم یک نواقصی در تشکیلات اداری وزارت مالیه و عملیاتی که مأمورین مالیه میکنند هست ولی یک قسمت را باید تصدیق کرد که میسوین آمریکائی صمیدانه بمالیه ایران خدمت کرده اند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

وزیر مالیه - آقای فهیم الملک باز راجع باین ماده شش تجدید فرمودند که ابهام دارد و مصرح نیست در صورتیکه بنده عرض کردم در نوشتن پرگرام مطالب اساسی ورؤس مسائل را ذکر میکنند و در تحت آن یک فروعی است که در موقع عمل بآن متوجه خواهند شد. در این قسمت بنده قسمتی از فرمایشات ایشان را یادداشت کردم که جواب عرض کنم لذا خاطر آقایان را مستحضر میدارم که یکی از مسائلی که آقا فرمودند این است که اعضاء جزو از طرف رؤسا امضا میکنند - آنچه بنده در این چند روز دیدم نوشتجات سندی حوالجات و نوشتجاتیکه مورد توجه است تماماً بامضای وزیر میرسد باتفاق دکتر میلسپو و اجزاء ادارات هیچ وقت داخل امضاء این طور نوشتجات نیستند بلی احتمال دارد که بعضی سوادها یا بعضی نوشتجاتیکه راجع بجزئیات اداری است آنها را امضا کنند و در همه وزارتخانه ها هم همینطور است ولی نوشتجات رسمی را که سندیت دارد اجزاء امضا نمی کنند - و باب کسر صندوق اصفهان که فرمودند - بنده هم البته یک چیزهایی شنیده ام ولی تحقیقی نکرده ام برای اینکه این دوسه روز که وقت نکردیم و غالباً در مجلس شرفیاب بودیم بعد از تحقیق میتوانم خاطر مبارک آقایان را مستحضر کنم که قضیه چه بوده - خرج گمرک و مالیه را که مقایسه فرمودند تصدیق میفرمائید که مورد گمرک باخالصه و مالیه فرق دارد گمرک در جاهای مرحدی و در محلهای معین است که مشغول کار هستند و البته باید تصدیق کرد که مأمورین گمرک ما هم باکمال صحت و امانت کار می کنند و دولت هم البته از آنها رضایت دارد ولی البته خرج گمرک را با خرج اداره که در هر نقطه و در هرده و قریه و بلوک باید مأسور داشته باشد نمیشود قیاس کرد و باب ممیزی البته خود آقایان میدانند که ممیزی کمال لزوم و اهمیت را برای مملکت دارد و حتی المقدور باید زودتر دست به اینکار زد و معایبی که در اسر مالیات ارضی هست رفع کرد و قانون ممیزی هم که در مجلس گذشته است مسلماً آن قانون باید اجرا شود و اجرا خواهد شد حالا اگر یک نواقصی داشته باشد و تذکراتی بدهند مورد قبول واقع خواهد شد. هنوز که این قانون اجرا نشده تا اینکه ما به بینیم نواقصش چیست عجاله مشغول هستند که حتی المقدور مطابق قانونی که در مجلس گذشته است اجرا شود. در باب ارزاق و اداره حمل و نقل تعرض فرمودند. اگرچه

ایشان همیشه منصف بوده اند. ولی اینجا هم باید انصاف داد که در مسأله اداره حمل و نقل وزارت مالیه در آن موقع هم که بنده نبودم ولی در یک موقع خیلی سختی و بحران شدیدی بود که اگر چنانچه آنها عجله نمیکردند و اقدام نمیکردند و تدارکاتی برای این کار نمیکردند آنوقت مورد مسؤولیت بودند نه اینکه بعد از آنکه یک کاری کردند و یک موقع سختی را گذراندند عوض اینکه از خدمات آنها قدردانی کنند آنها را با یک ایراداتی مواجه کنند در مسأله اثاثیه حمل و نقل که میفرمایند اینجا از بعضی ها خریده شده اینطور نیست یک مقدار زیادی از اینها از خارج آورده شده است با یک سرعتی که بتوانند از جاهای دور حمل ارزاق به طهران کرده باشند و این خدمت نمایانی بود که در آن موقع کردند که تصور میکنم اهالی طهران و بلکه اهالی دهات و بلوکات طهران باید خیلی قدرشناسی کنند که هم ارزاق طهران و دهات را تا بهار رسانیدند و هم به دهات و بلوکات کمک کردند برای کشت آنها و حقیقهً اینها یک چیزهایی است که قابل حقگزاری است. راجع به قانون استخدام اظهاراتی فرمودند البته باید خودشان تصدیق فرمایند چون هم وزیر مالیه بوده اند و هم خیلی داخل اداره بوده اند و میدانند مقصود وزارت مالیه این نیست که استیلاء بر تمام پرسنلهای ادارات و اجزاء وزارتخانه ها داشته باشد بلکه قانون استخدام روحش مربوط میشود به اینکه به اشخاص یک حقوق معینی بدهند...

آقای سعید یعقوب - روحش پول است.

وزیر مالیه - روحش پول است به قول سرکار. وزارت مالیه این روح پولی را چطور میتواند اداره کند؟ ناچار باید یک مرکزی باشد که مقابله کند اشخاص را با سواد آن قانون و بتواند حق آنها را استیفا کند لذا باید در وزارت مالیه یک شعبه باشد برای این فقره و در این مسأله تصور میکنم وزارت مالیه یک خدمت بزرگی به اجرای این قانون کرده است ولی البته اگر یک نواقصی در قانون هست به عرض مجلس خواهد رسید و در مالیه هم اگر یک نواقصی هست بعد عرض خواهیم کرد اما این فقره بطوری که آقای فهیم الملک فرمودند به هیچ وجه مزاحم حقوق اساسی سایر وزراء نسبت به اجزایشان نیست. وزارت مالیه ابدأ دخالتی نسبت به آنها نمیکند و فقط در مسأله مالیه که حقش است دخالت میکنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - نسبت به قسمت ششم مذاکرات کافی است؟

(جمعی گفتند: کافی است)

رئیس - وارد قسمت هفتم میشویم.

جمعی از نمایندگان - تنفس.

رئیس - ده دقیقه تنفس داده میشود.

[در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید]

رئیس - قسمت هفتم پرگرام دولت قرائت میشود.

(به شرح آتی قرائت شد)

۷ - تقدیم لوایح تدریجی برای اعطای امتیازاتی که برای

استفاده از منابع ثروت مملکت لازم است و تقدیم و تشویق اتباع داخله از حیث سهولت شرایط.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - البته این نظری که دولت گرفته است خیلی خوب است ولی بنده درست قسمت اول این ماده را نمیفهمم آیا مقصودشان این است که متدرجاً لوایح را خواهند داد یا امتیازات را متدرجاً میدهند؟ خوب هر طور باشد چون اسمی از تبعه داخله هم برده اند برای تشویق آنها باز هم بنده عرض میکنم اینها برای تذکر است و بنده تصور میکنم آن چیزی که لازم است در نظر بگیرند (و البته در نظر دارند و شاید مناسب نباشد این عرض را بکنم ولی چون برای سعادت ملت و مملکت تصور میشود عرض میکنم) حفظ اعتبار امضای دولت است برای اینکه اگر این را به مردم فهمانند مردم حاضر خواهند شد بیایند با دولت طرف معامله شوند. مسأله مسأله معامله است. این یک نظر بنده است نظر دیگر که مقدم بر این میدانیم این است که خوب بود امتیازاتی که داده شده است اینجا ذکر میکردند و یک توجهی میفرمودند ببینند کدام یک به موقع عمل گذاشته شده و کدام گذاشته نشده است. کدام صحیح است کدام صحیح نیست و وقتی که معین کردند کدام امتیاز صحیح است و بموقع اجرا گذاشته شده آن وقت آنهایی که صحیح نیست یا آنهایی که امتیاز داده شده و معطل است و جلوگیری کرده است از استفاده جمعی دیگر ترتیبی برای آنها معین کنند بنابراین عقیده بنده این است که آنها را هم اگر ضمیمه میکردند و شامل همه میشد بهتر بود.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - عرضی ندارم.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در قسمت اول بدیهی است اگر کلمه تدریجی هم نوشته نشده بود لازمه اش تدریج بود زیرا برای تمام منابع ثروت مملکتی یک اشخاصی تاکنون یک پیشنهادهایی تقدیم دولت نکرده اند که لوایحش حاضر باشد و روزی که به پروگرام رأی داده میشود یک مرتبه بیاورند به مجلس باید مشتری پیدا کند. شرکتهای تأسیس شود. مطالعاتی بشود و لوایحی تهیه شود و بیاید به مجلس. بدیهی است که این لوایح به تدریج باید بیاید. یک جمله دیگر که راجع به اعتبار و اهمیت امضای دولت بود متأسفانه من کاملاً با این نظر مخالفم و معتقدم به آنچه که در قانون اساسی تصریح شده و اعطای امتیاز را از دولت سلب کرده و به مجلس اختیار داده ما بایستی بدلیل مدلل کنیم که امضاء دولت رسمیت ندارد مگر به تصویب مجلس امتیازات و اختیاراتی که از خصایص مجلس است دولت هرچه امضا بکند دو پول ارزش ندارد و ما زحماتی که اینجا میکشیم برای مدلل کردن این اصل است که هر روز یک زحمتی برای ما درست نشود بدیهی است پس از اینکه امتیازی از مجلس گذشت باید اعتبار داشته باشد و اعتبار هم خواهد داشت.

ارباب کیخسرو - اجازه میفرمائید اینجا سوء تفاهمی شده است.

رئیس - بفرمائید.

ارباب کیخسرو - بنده هیچ در اینجا نظر نداشتم که دولت یک همچو امتیازاتی بدهد بدون تصویب مجلس این از بدیهیات است که هیچکس نمیتواند مخالف قانون اساسی رفتار کند نظری بنده این بود که اگر با تصویب مجلس امضاء بدهد اعتبار داشته باشد.

رئیس - قسمت هشتم.

(به شرح ذیل قرائت شد)

۸ - تسریع در تأسیس کارخانه ذوب آهن و شروع به عملیات آن.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد.

آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم عبارت غلط است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(جمعی گفتند: خیر)

رئیس - قسمت نهم.

(به مضمون ذیل خوانده شد)

۹ - اصلاح و توسعه راههای شوسه.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - اگر حضرت آقای رئیس یک قدری اظهار سرحمت بفرمایند و بگذارند بنده از موضوع هم خارج نمیشوم. عبارت ماده قبل غلط است (صدای زنگ رئیس) - هزار زنگ هم بزیند عبارت غلط است. ماده نهم - اصلاح و توسعه راههای شوسه. اینجا عبارت برسبیل اجمال نوشته شده باید یک مسأله اینجا کاملاً محرز شود. به فرمایش آقای مدرس که آن روز میفرمودند فرق است بین ابهام و کلیات. این عبارتها تمام مبهم است. یک منتقدی که اعتراض میکند از جهت ابهام عبارات است. اصلاح و توسعه راههای شوسه لفظش خوب است اما بچه ترتیب؟ به این ترتیب که راه سازندگان را ساختند که آقای فاطمی شرحش را نوشتند بنده را که که آقای رئیس الوزراء دعوت نکردند و نتوانستم بروم آقای شیروانی! والله بنده نرفتم. اگر این ترتیب راه شوسه درست کردن است؟ بنده عقیده ام اینست که از بس ما یک ملت هستیم که عاشق به اصلاحات هستیم وقتی که شروع به اصلاحات میکنیم بکنیم یک دفعه از اینجا پرواز میکنیم به سازندگان. نه، بنده عقیده ام اینست حالا که میخواهیم شروع کنیم درست قدم برداریم. قدم اساسی برداریم نه اینکه اگر بارانی آمد، برفی آمد، به کلی خراب بشود و باز سال دیگر دوسرته بسازند. بنده عقیده ام اینست که قدم بقدم شروع کنیم به ترتیبی که بتوان به آن اعتماد و اطمینان داشت. حالا البته آقای وزیر فوائد عامه توضیح خواهند داد که غرض از این اصلاح و توسعه راههای شوسه چیست. مقصود این است که راههایی که الان شوسه شده است اینها را توسعه خواهند داد یا آنهایی را که هنوز شوسه نشده است توسعه خواهند داد آخر توسعه دومعنی دارد. اگر نسبت به آن راههایی است که نیست باید بگویند ایجاد



راههای شوسه در آنجاهائی که راه شوسه ندارد. اگر اینکه نوشته‌اند مقصود این است که باید ایجاد بنویسند و اگر نظر به این راههای موجود است باید بنویسند اصلاح و تعمیر راههای شوسه. بنده اصلاح میخواستم بگویم که باید پرگرام طوری نوشته شود که از ابهام و اجمال خالی باشد. طریقتش معلوم باشد که دولت مثلاً در راههای شوسه چه نظری دارد. چه ترتیبی اتخاذ میکند و مأمورینی که برای این راه معین میکند بچه ترتیب باید باشد. اینها باید ذکر شود و الا مکرر عرض کرده‌ام تمام ماها نمایندگان و دولت و افراد مملکت همه عاشق به اصلاحات هستند ولی با کلماتی که برسپیل کلیات و اجمال گفته میشود مخالف هستیم و باید شرح بدهید تا منتقد نظری که دارد بیان کند و دولت هم بداند کجا نقصان دارد و دیگران هم بفهمند مقصود منتقد غرض نیست مقصود این است که موادی را که برای مملکت نافع است امروز باید دست بدست هم بدهیم اجرا کنیم (آی تو در آنوقت گریه مرده را چوب نزن) ما اصلاحات را میخواهیم. دولت خیلی قوی میخواهد اصلاح کند. بنده هم که مخالفان هستم میخواهم اصلاح کنم و آقای مدرس هم که مخالف نیستند میخواهند اصلاح کنند و الا برداریم روزنامهجات را پر کنیم و فریاد بزنیم این طریقه اصلاح نیست راه آن این است که در اینجا بحث کنیم. این سواد مبهم است. آقای حاج مخبرالسلطنه بیاید جواب بدهد.

وزیر فواید عامه — اولاً بنده در رفع گله که آقای آقااید یعقوب کردند عرض کنم که وقتیکه بنام آقای رئیس الوزراء بروند راه سازندگان را افتتاح کنند چند ساعت فکر کردیم که از آقایان و کلاً چطور دعوت کنیم. دیدیم اگر بخواهیم همه آقایان را دعوت کنیم نه آنجا منزل هست و نه وسیله حمل و نقل این بود که بنام هیئت رئیسه را دعوت کنیم که آن آقایان تشریف بیاورند و این را هم خیلی تأسف دارم بعد از اینکه برگشتیم شنیدیم که یک قصوری شده بود در اداره زیرا دعوت نامه مابعد از حرکت ما به آقایان رسیده بود (بنده همچو شنیده‌ام) و واقعاً اگر اینطور باشد خیلی تأسف دارد زیرا اگر دعوت به موقع رسیده بود البته تشریف میآوردند خیلی تأسف دارم که همچو اتفاقی افتاده است (اگر افتاده باشد) اما راجع به فرمایش دیگرشان آن ایرادی که میگیرند اصلاح و توسعه نوشته شده است در راهها. این اصلاح و توسعه بطوریکه عرض خواهم کرد صحیح است ولی اگر ایجاد راهها هم نوشته شده بود علاوه بر این عیبی نداشت ولی این ماده هر سه قسمت را شامل است. شوسه سازندگان را آقا ندیده‌اند ولی بنده دیده‌ام و منحصر به شوسه راه سازندگان هم نیست که بنده دیده‌ام بنده شاید تمام شوسه‌هایی که در سوسیس ساخته شده دیده‌ام و خیلی شوسه‌هایی که جاهای دیگر دنیا هم ساخته شده دیده‌ام. این شوسه که در راه سازندگان ساخته شده است بینی و بین الله (بنده که متصدی نبودم در وقتیکه شوسه ساخته شده است) اما انسان پا روی حق نمیتواند بگذارد بینی و بین الله با این مبلغی که خرج کرده‌اند و در این مدتی که کار کرده‌اند بنده به آقای رئیس الوزراء هم در راه عرض کردم که مطابق مدارکی که در دست است اشخاصی که

در این راه متصدی بوده‌اند و مباشر این کار بوده‌اند برای اجرت کار نکرده‌اند یک قدری هم وجدانی کار کرده‌اند و خواسته‌اند که این کار بشود. شاید البته یک قدری وطن پرستی و حسن خدمت خودشان بوده است. یک قدری هم توجهات مخصوصه اعلیحضرت بوده است به این تکه راه خصوصاً والا بهمه‌جا توجه دارند و اما آسدم سر این راه. در طهران همیشه ملاحظه میفرمائید. یک شوسه هست که چهل سال است ساخته شده است مثل خیابان لاله‌زار و سایر خیابانها که همه ساله اینها را مرمت کرده‌اند با وجود اینکه کوبیده شده است معذک هر سال باید اینها را اصلاح بکنند. این اصلاح هیچوقت موقوف نخواهد شد خصوصاً یک راهی را که اسسال ساخته‌اند البته بارندگی خواهد شد و هر قدر این راه را خوب ساخته باشند یک جاهائی که آب فرو میرود زمین نشست میکند. اینها همه اصلاح لازم دارد. شاید بعضی از آقایان میروند و میآیند و اخباری که میرسد شکایت از این راه هست و باید هم باشد بجهت اینکه این یک راهی است که بعضی جاهایش خیلی خاک دارد. بعضی جاهایش سنگ و شن دارد. اینها ناتمام است. مثلاً از علی‌آباد تا خود شهر ساری که تقریباً توی جلگه است زمینش گل است و البته وقتی باران بیاید و گل شود اتوسبیل نمیتواند عبور کند ولی همانوقت هم که تشریف بردند برای سرکشی و بنده هم در خدمت بودم همانوقت مشغول شده بودند که در آن تکه شروع بکنند به سنگریزی و آن سنگریزی هم حق این بود که تا حال تمام شده باشد ولی بواسطه یک تغییر وضعیتی که در محاسبات مالیه راجع به راه شده است و صحیح هم هست و باید رسیدگی بکنند چند روزی قرت شده است در تعمیرات و حالا باز شروع میکنند و آنجاها را ریگ سیریزند و درست میشود و اما راجع به توسعه بنده از این یک راهی که ساخته شده حرف میزنم هر چه در این راه هست جای دیگر هم هست. البته در این راه روز اول نظرشان این بوده است که یک اتوسبیل برود و یک اتوسبیل برگردد. این نظر را گرفته‌اند و خوب هم ساخته‌اند ولیکن البته بعضی پیچها هست. بعضی خمها هست که رعایت عبور یک اتوسبیل از اینطرف و یکی از آنطرف کفایت نمیکند باید یا از بغل کوه بتراشند یا از طرف دره خاکریزی کنند که توسعه پیدا کند. پس این راههایی که ما ساخته‌ایم توسعه هم میخواهد اصلاح هم میخواهد البته نمیشود گفت یک راهی است که هیچ تعمیر لازم ندارد خیر تعمیر هم لازم دارد باید تعمیر هم بشود و البته یک راهی که تعمیر لازم دارد دلیل بر این نیست که بد ساخته‌اند خیر بینی و بین الله راه را خوب ساخته‌اند و البته تعمیر هم لازم دارد اما آن قسمتی که میفرمائید چرا ایجاد ننوشتید. شاید بواسطه این بوده که خیلی بدیهی بوده است حالا یک ایجاد هم اضافه میکنیم زیرا راه رواندوز است که در دست مهندسین است شروع کرده‌اند و میسازند. راه یزد است که باید بسازند و شروع خواهند کرد راه خرم‌آباد است که مشغول هستند راه ورامین است که مشغولند و کاریکنند خیلی راههای دیگر هم هست که انشاءالله بولمان که زیادتر شد مجلس هم تصویب کند آنها را هم شروع میکنیم و تمام میشود.

رئیس — راجع بهیئت رئیسه چون بقید تردید تلقی کردند برای اینکه در آئینه نظائرش واقع نشود لازم است عرض کنم. اولاً دعوت در روزی از طرف وزارت فواید عامه شده بود که مصادف بود با روز افتتاح مجلس بعد از یکماه تعطیل و ثانیاً متأسفانه این پاکت را بوسیله پست شهری بتجریش آوردند و شب به بنده رساندند که صبح هیئت رئیسه باید بروند. البته چون عمدی نبوده است بنده هم ترتیب اثر ندادم باین اقدام و چون خیال کرده‌اند که هنوز قرت است بتوسط پست شهری فرستاده‌اند و چون موقعش گذشته بود این بود که ترتیب اثر داده نشد. قسمت دهم

دهم — اجرای تصمیم مجلس پنجم راجع بنقشه برداری خطوط مختلفه آهن و تعیین اتم و اصلاح و پیشنهاد آن بمجلس.

رئیس — آقای فرمند (اجازه)

فرمند — عرضی ندارم

وزیر عدلیه — در اینجا توضیحی لازم است عرض کنم اتم و اصلاح غلط نوشته شده است اهم و اصلح است.

رئیس — اصلاح میشود. آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو — بدیهی است که در اساسش مجلس بایک شوق و میل مفرطی رأی داده است و این جای انکار نیست فقط اینجا بنده خواستم سؤال کنم و به بینم که کی اجرا خواهد شد بدیهی است یک قانونی که نوشته شد البته باید اجرا بشود این سؤالی که بنده میکنم برای چیست. برای این است که آن قانون در خرداد ۳۰۴ گذشته است و در وزارت فواید عامه آقای داور اعتبار دوست و پنجاه هزار تومان گرفته شده است برای تهیه مهندسین و برای نقشه برداری و غیره ولی بنده تا این ساعت هیچ خبر ندارم که آیا اقدامی شده است یا خیر؟ این یک نکته است که میخواستم عرض کنم قسمت دیگر بطوریکه بنده در ضمن کلیات عرض کردم هر قدر تأخیر در این امر بشود ما چندان ضرر داریم اولاً ضرر در اصل مقصود ثانیاً از قراری که بنده میزنم و جوهی که از این سمر و سرهای دیگر باید ذخیره شود در بانک شاهنشاهی ذخیره میشود با فرع خیلی کم در صورتیکه بانکهای دیگر حاضر بود و آنکه که زیادتیر بدهند و این خودش اگر راست باشد بضرر مملکت تمام میشود و هیچ اختصاصی ذکر نشده است در قانونی که گذشته است زیرا گفته است «در بانک معتبر» و نگفته در بانک مخصوصی که اختصاص بانجا داشته باشد در صورتی که بشود از یک بانک دیگری بیشتر استفاده کرد و حتماً گذاشت در یک بانکی که طرف محاسبات جاری است. اگر چه امیدوارم که حالا این جا وعده بدهند که زود این اقدام بشود و فرمایند که آن اعتباری که در خرداد ماه داده شده است بموقع عمل گذاشته شده است یا خیر؟ و در این قسمت هم تصور میکنم که مجلس شورای ملی یک نظر خاصی بمالیه دارد و میل دارد بداند چه جور معاسله باین پول میشود بنده در ضمن کلیات عرض کردم هر چه زودتر تکلیف این پول معین بشود برای اینکه هر قدر این پول توقیف است و هر چه طول میکشد زیادتر دست و پای کسبه و تجار را خواهد بست اگر این مسأله خیلی تأخیر دارد و اگر میدانند خیلی طول میکشد دولت

یک قانونی بمجلس پیشنهاد بکنند که مجلس بتواند یک صورتی باین کار بدهد که این وجوه از جریان باز نماند اینجایی که از آقایان نمایندگان که مدافع بودند میفرمودند چطور میشود دست زد بقانونی که مجلس وضع کرده است. بنده برای اینکه سوء تفاهم نشود عرض میکنم آن روز هم عرض کردم اگر تأخیری میشود قانونی پیشنهاد کنند و حالا هم همین عرض را میکنم و البته بنده هیچ وقت این عقیده را نداشته و ندارم که برخلاف قانون کاری بشود استدعا دارم این عرایضی که کردم جواب بدهند.

وزیر فواید عامه — فرمایشات آقای ارباب بدو وزارتخانه راجع است یک قسمتش که بنده راجع نیست جوابش را وزارتخانه خودش خواهد داد ولی آن قسمتش که بنده راجع است جواب عرض میکنم. همان وقتی که قانون از مجلس گذشته است دولت اقدامات خودش را کرده است قبل از اینکه بنده متصدی بشوم در نتیجه اقداماتی که جدیداً در آمریکا شده بود و در برلن شده بود متخصصین از برای این کار ناسزد شده‌اند و این ساعت که بنده اینجا عرض میکنم هم متخصصین برلنی و هم متخصصین آمریکائی هر دو اجیر شده‌اند و شاید برلنی حرکت کرده باشد و آمریکائی چند روز دیگر حرکت میکند و میآیند مشغول کار خود میشوند و بنظر بنده از نقطه نظر کار تأخیری نشده است فقط آن متخصصین برلنی که از کارخانه کروپ پیشنهاد شده است و البته متخصص خیلی عالمی خواهد بود یک پیشنهادی هم کرده است که برطبق آن پیشنهاد برای اینکه کار از او بیشتر پیشرفت بکند و عقبه کار خود را ببیند سه نفر دیگر را خواسته است که برای این کار استخدام کنند یعنی بعقیده او سه نفر دیگر متخصص لازم است که آن سه نفر اعم از اینکه برای این حاجت باشد یا برای هر حاجت دیگر مملکتی استخدام شود و بنده هم تصدیق دارم که مایک همچو سه نفری را لازم داریم و لایحه او هم تدارک شده است و تقدیم میکنم که بعد مجلس تصویب فرمایند دیگر پول را چه کرده‌اند؟ و کجا گذاشته‌اند؟ و چه شده است؟ بنده ربطی ندارد.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — قسمت یازده قرائت می‌شود.

(بشرح زیر قرائت شد)

۱۱ — استحکام تشکیلات وزارت داخله در تمام مملکت و

تکمیل و اصلاح تأسیسات صحی و بلدی

رئیس — آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو — در قسمت اول بجای استحکام تشکیلات وزارت داخله بعقیده بنده خوب بود نوشته شود «تشدید تشکیلات داخله» برای اینکه وزارت داخله تشکیلات ندارد. تشکیلات وزارت داخله چیست؟ فقط منحصر شده است باعزام حکام!! تازه حکام که میروند چکار دارند؟ پس در واقع برای وزارت داخله تشکیلات جدیدی لازم است که همانطوری که همه جای دنیا کار میکنند ما هم بمقتضیات مملکتیمان ببینیم چه تشکیلاتی باید وزارت داخله‌مان داشته باشد که یک استخوان بندی صحیحی بشود و فقط و فقط بسط نباشد. قسمت دوم راجع بصحیه و بلدی است. البته

هیچکدامش را کسی انکار ندارد و امید داریم که صحیحه از این پشت دروازه طهران و شهریار شروع شود و تمام جاها را بگیرد برای اینکه آقا میرزا یحیی خان مکرر داد و فریاد کرده اند و آقای آقا سید یعقوب هم راجع بشهریار و این اطراف مکرر گفته اند و هنوز اقدام مؤثری نشده است ولی امیدواری است که بشود اما راجع به بلدییه بنده در ضمن عرایض خودم در کلیات عرض کردم و توجه دولت را که البته معطوف باین قسمت بوده متوجه میکنم . ما اجرای قانون میخواهیم بلدییه در هر جاست البته برای آن شهر لازم است ولی وقتی که ما بلدییه داریم باید دید بلدییه در تحت چه اصلی باید باشد قانون بلدی وضع شده است . عوض این لازم بود بنویسند اجرای قانون بلدییه یا اگر اصلاحی لازم ندارد پیشنهاد بفرمایند . بنده از این لفظ نمیدانم مقصودشان چیست ؟ وزارت داخله خیلی چیزهای دیگر هم لازم دارد که بایستی توجه کنند . مثلاً در اینجا یک چیزی که بیش از همه لازم بوده است و ننوشته اند تکمیل انتخابات است که از وظایف وزارت داخله بوده است انتخابات یک قسمتش در هر جا معطل است و این قسمت در صورتیکه نزدیکتر بعمل بوده هیچ ذکرش در اینجا نیست . اگر چه شاید بفرمایند که این کارهایی نیست که ذکرش لازم باشد و البته ما خواهیم کرد بنده هم تردید ندارم که دست قوی میتواند خیلی کارها بکند ولی بالاخره اگر اینها را جزو عمل میدانند خوب بود در اینجا قید بکنند .

رئیس — آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده — بنده فراموش نکرده ام که در همین مجلس بنده با این طرز تشکیلات وزارت داخله مخالف بودم و معتقد بودم که طرز تشکیلات وزارتخانه های ما باید عوض شود یک وزارتخانه ای برای حوائج عمومی و یک وزارتخانه برای انتظامات و یکی برای امور مالی که آن تشکیلات و نظری را که من داشتم هنوز مملکت ما نپسندیده اند . بدیهی است موجود را باید اصلاح کرد و نباید زیر پا گذاشت و چیزی هم جای آن نگذاشت . یک قانون تشکیلاتی در مجلس اول برای این وزارتخانه گذشته که همه آقایان تصدیق دارند که اگر دولت بخواهد او را اجرا کند چندین میلیون برودجه فعلی وزارت داخله باید بفرزاید آنوقت تازه آدم بقدر کفایت ندارد که این تشکیلات را درست کند . یک لایحه تشکیلاتی هم در اواخر دوره چهارم بود که متناسب با وضعیات فعلی وزارت داخله بود آمد بمجلس و از کثرت مشاغل فرصت اینکه بگذرد نبود . وزارت داخله کارهای عمده که دارد یکی نظمییه ها است . یکی بلدییه ها است یکی قسمت صحیه یکی انتخابات...

شیروانی — اسنیه .

حائری زاده — یکی هم اسنیه و البته منحصر بفرستادن حکام نیست بنده با ناطق محترم موافقم که این طرز باید اصلاح شود . اینها چیز تازه نیست ولی نظریاتی که دولت دارد بطور کلی در فقرات پرگرام پیشنهاد میکنند که بعد آنها را بصورت قانونی بمجلس پیشنهاد کند . یک قسمت از تشکیلات تشکیلات صحیه است . من خیلی موقع را مناسب میدانم که در آن موضوع صحبت شود که در مملکت ما وقتی سراجعه باحصائییه بشود از چند سال قبل باینطرف

فلان قصص را نداشته باشد . یک قوانینی باشد که در تحت عنوان قانون و به حکم محکمه جلب کنند و به حکم محکمه خارج کنند این دردهائی است که عرض میکنم آقای رئیس الوزراء میتوانند عمل بکنند نمیتوانند چه بگویم .

وزیر عدلیه — اولاً تصور میکنم در طبع این پرگرام زیاد دقت نشده است باز هم یک جزئی اشکال دارد (سعی در تعمیم قانون ثبت اسناد و املاک بنحوی که در مدت معینی کلیه املاک) (ثبت کلیه املاک) است و کلمه ثبت افتاده است . اما در اصل موضوع جای هیچ تردید و شبهه نیست که عدلیه ما امروز خیلی خراب است مخالفت با عدلیه امروز ما خیلی خیلی آسان است . خیلی خیلی میشود استدلال کرد که عدلیه ما نواقص دارد . دفاع از عدلیه امروز ما هم یک قدری مشکل است ولی باید خدمت آقایان عرض کنم یک قدری مراجعه کنند به بیست سال قبل که عدلیه چه بود . تصور میکنم که در بیست سال قبل عدلیه ما عبارات بود از یک شخصی که وزیر عدلیه بود و شاید یک فرمایشی هم داشت که به قول حکما بطور وحدت و بساطت تمام مزایای مآدون و مافوق و تمام مراتب را محتوی بود . البته تبدیل آن صورت به یک صورت آسانی و یک صورت خیلی خوبی در ظرف یک مدت خیلی ممکن نبوده است برای رفع نواقص عدلیه یک مدت زیادی وقت لازم بود . برای اینکه اولاً قوانینی که نداشته ایم تدوین شود . برای اینکه پرسنل و اجزاء برای عدلیه ترتیب شود برای اینکه قضات صلاحیت دار و صحیح العمل پیدا شوند و سرور ایام باید اینها را تربیت کند و برای اینکه تجربه عامل خیلی بزرگی است در اصلاحات باید مدتی بگذرد تا تجربه کار خودش را بکند و آنچه از قوه است بفعل بیاورد . بنده تصور میکنم که از بیست سال خیلی بیشتر وقت لازم است و البته ما بین آن صورت اولی و آن صورتی که آمال و مطلوب ما است یک حالت برزخی و انتقالی بطور قطع لازم بوده است . ما در این بیست ساله در آن حالت برزخی بوده ایم و هنوز نرسیده ایم به آنجائی که باید باشیم ولی باید عرض کنم که سابقین بنده و اشخاصی که در عدلیه در وزارتخانه یا قسمت امور یا قضائی یا قسمتهای دیگر کار کرده اند همه در این خط کار کرده اند و همه خواسته اند آن اصلاحاتی که منظور نظر است از قوه بفعل بیاورند و اگر موفق نشده اند وقت کافی نبوده است . گمان میکنم در جاهای دیگر هم که یک صورتی به عدلیه های خودشان داده اند ابتدا همینطور بوده و بعد تبدیل شده است به یک صورت بهتری البته در عرض بیست سال و پنجاه سال به اینصورت در نیامده و یک مدت متمادی وقت داشته اند . بله بعد از آنکه این مقدمه را گفتیم البته سواچه میسریم با آن قسمتهائی که خوب است در عدلیه بشود . همچو به نظر میرسد که ما از حیث قوانین یک نقصی داریم و قوانینمان کامل نیست . بعضی قوانین تدوین نشده است از قبیل قانون مدنی بوده است که در پرگرام نوشته ایم که اینها را تکمیل و تدوین خواهیم کرد یک قسمت هم که به نظرمان آمد راجع به بطوع جریان امور قضائی و محاکماتی است . البته این را هم شنیده ایم که محل شکایت و ابتلاء عموم است آنها را هم در نظر

فهیمی — عرضی ندارم .

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده گمان میکنم عرایضی که راجع بمواد پرگرام میکنم گویا وجدان آقایان شهادت بدهد که یک عقایدیست که بر حسب عقاید و کالتی خودم خیلی لازم میدانم که باید درش بحث بشود این است که بنده مخصوصاً وارد تنقید میشوم که دولت هم ملققت بشود و متوجه بشود و بنده این را در تحت تنقیدیا بفرمایم آقای رئیس الوزراء که فرمودند باید حلاجی شود عرض میکنم که در تحت نظر بیاید . بنده در آن ماده عرایضی داشتم که گذشت آمدیم سر این مسئله مخصوصاً آقای آقا سیرزاحسنخان وثوق که بنده حقیقه از این مسئله خشنودم که در رأس قوه قضائیه واقع شده اند و امروز تمام افراد مملکت چنانچه در اول هم عرض کردم بقدری تشنه قضاوت هستند که یک نفر مستر نیست و بقدری ما احتیاج داریم که قوه قضائیه ما هم همین طور که قانون اساسی قوا را از هم تفکیک کرده است قوه قضائیه را در مقابل قوه مقننه و قوه سجزیه قرار داده است . و اگر ما مراجعه کنیم بتاریخ بشر تمام سلاطین بشر ، تمام انبیاء ، تمام فلاسفه ، و حکما ، که آمده اند تمام عنوان عدالت بوده است این است که قوه قضائیه در مقابل قوه مقننه و قوه سجزیه است و بنده ناچارم این را عرض کنم آقای آقا سیرزاحسنخان وزیر داخله آقای وثوق همه شان در نظرشان هست که ما آن روزهای اول که فریاد میزدیم برای مشروطه میگفتیم عدالت میخواهیم . ظلم سر تا پای مملکت را فرا گرفته است . کم کم گفتیم خوب دنیا آدم شده اند بیدار شده اند و ما هم که آدم شده ایم هیئت وزرای مسؤول میخواهیم قوائی میخواهیم که از همدیگر تجزیه شود وزارتخانه از هم تجزیه شود (وزارت داخله) عنوان وزارت داخله است اما بلدییه اش در تحت نظر یکی . صحیه اش در تحت نظر دیگر . شیر بی دم و سرواشکم بعینه وزارت داخله است . آمدیم سر مسأله قضائیه بنده میدانم که توجه خاص اعلیحضرت مخصوصاً به عدلیه بوده است و در زمان ریاست وزرائی خودشان در عدلیه رفتند و قضاة را تشویق و ترغیب کردند و گفتند قاضی باشید . بنده میترسم در عدلیه یک محاکمه پیدا کنم البته باید قاضی باشید و این حقوقی که به شما داده میشود قضاوت کنید . حقیقه مملکت ایران قضاوت میخواهد . عدلیه میخواهد . این تأکیدات را کردند و بینی و بین الله بنده نمیتوانم منکر شوم که در موقعی که آقای ابوالحسن خان پیرنیا وزیر عدلیه بود یک قدمهائی برداشته شد . همین آقای رئیس الوزراء در پرگراهای سابقشان راجع به این مسأله بوده است کابینه اعلیحضرت اینها را داشته . آقای میرزا احمدخان قوام السلطنه اینها را داشته است . آقا بروید یک اداره تفقیض تشکیل بدهید ببینید این همه دوسیه ها که در عدلیه مانده است علت چه چیز است ؟ اینهمه تراکم برای چه ؟ بنده میترسم که حمله بمن بشود . این قانون محاکماتی که نوشته شد در دوره دوم مجلس این شخص محترم (اشاره به آقای مدرس) و رفقا شان چقدر زحمت کشیدند . بنده تمام صحبت من این است که از مقام لفظ خارج شود و به مقام عمل بیاید و این قوانین صورت شاهنامه و صورت

خیلی نفراش رو به تنزل رفته است اسراض خیلی زیاد شده است ولی از حق نباید گذشت که از وقتی آقای بهرامی متصدی امور صحیه شده اند اطباء بولایات دارد اعزام میشود . طرف جنوب که هیچ معمول نبود ما سوره برود فرستاده اند بنده این چند روزه سراغ دارم که ما سوریانی چه بطریق ثابت و چه بطریق سیار در همان قسمتهای شهریار آن قسمت هائی که میگفتند صندوقهای و اسفوقود شده . آقای بهرامی که آمدند تشکیلات صحی خوبی در این حدود داده اند و بدیهی است تشکیلات صحی یک چیزی نیست که امروز که شروع کردند همین امروز درست شود و امیدوارم یک قانونی دولت برای تشکیلات صحی مملکت پیشنهاد کند که دارای یک اصل و یک ریشه و یک اثراتی باشد . اما راجع به بلدییه اگر نظر نماینده محترم باشد قبل از اینکه دولت بمجلس معرفی بشود در تعقیب نظریات دولتهای سابق نظریاتی که مجلس چهارم و پنجم داشت برای اصلاح قانون بلدییه یک پیشنهادی تقدیم مجلس شد که امیدوارم پرگرام زودتر بگذرد و نماینده وزارت داخله در کمیسیون حاضر شود و آن پیشنهاد را زودتر بیاورند که یک بلدییه قانونی دارا بشویم ولی ساداسی که دارا نشده ایم نمیتوانیم خیابانها را تاریک بگذاریم و کوچه ها را آب پاشی نکنیم .

وزیر داخله — صبح آن روزیکه آقای رئیس الوزراء بنده را دعوت فرمودند که مشارکت بکنم در خدمتشان و بنده قبول کردم سابقه نداشتم و پرگرام نوشته شده بود و البته بنده هم باید تابع و مطیع باشم و ان شاء الله در جزئیات او باید سعی کرد و البته مقتضیات وقت یکطوری بود که ترتیب وزارت داخله سمزوج بود با بعضی چیزهای دیگر و ممکن نبود تفکیک بشود و حالا که وضع تغییر کرده است امیدوارم یکی یکی تفکیک شود وظایف حکام معلوم شود . تکلیف امنیه معلوم نیست با وزارت داخله است یا با غیر وزارت داخله است و امیدوارم کم کم درست شود بعضی لواحق دیگر هم هست که قبلاً آقای دادگر تنظیم کرده بودند از قبیل تشکیلات نظمییه و صحیه که خواهد آمد و خیلی معذرت میخواهم چون سابقه نداشتم و امیدوارم بعمل بیشتر اهمیت داده شود .

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است .

رئیس — قسمت دوازده قرائت میشود .

آقا سید یعقوب — بنده در این ماده اجازه خواسته ام .

رئیس — اجازه شما محفوظ است موقعش برسد اجازه داده خواهد شد .

(قسمت دوازدهم بشرح ذیل قرائت شد)

۱۲ تکمیل قوانین موجوده راجع باسور قضائیه مخصوصاً وضع و تدوین قانون مدنی و اتخاذ وسائل لازمه برای جلوگیری از طغیان جریان محاکمات و سعی در تعمیم قانون ثبت اسناد و املاک بنحوی که در مدت تعیینی کلیه املاک در دفاتر دولتی صورت پذیرد و از وقوع دعاوی جلوگیری شود .

رئیس — آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو — عرضی ندارم .

رئیس — آقای فهیمی (اجازه)